



دانشگاه باقرالعلوم
(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

دانشکده: علوم سیاسی، تاریخ و علوم اجتماعی
رساله جهت اخذ درجه دکتری
رشته: علوم سیاسی

عنوان:

**بررسی عوامل و شاخص‌های پایداری و
ناپایداری سیاسی در حکومت دینی از دیدگاه
امام علی(ع) و تطبیق آن بر نظام جمهوری
اسلامی ایران**

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمدتقی آل غفور

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر منصور میراحمدی

نگارش:

محمد مهدی امامی

بهار 1394

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم به:

پيشگاه مقدس حضرت صاحب الزمان (عج) و هديه به روح پاک و ملکوتی حضرت امام
خمينی (ره) بنيانگذار جمهوری اسلامی ايران.

تشکر و تقدیر:

برخود فرض می‌دانم که از زحمات، راهنمایی و مساعدت استاد محترم حضرت حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید محمدتقی آل غفور و مشاوره استاد محترم حضرت حجت الاسلام و المسلمین دکتر منصور میراحمدی که بهره فراوانی از آنها بردم و نیز از تلاش‌های بسیار زیاد اساتید و مسئولان محترم دانشگاه باقرالعلوم(ع) و همچنین آقایان جلیلی مناف و کارگر تشکر و سپاسگذاری نمایم.

چکیده:

از موضوعاتی که امروزه در محافل علمی، سیاسی و اجتماعی، بسیار مورد کنکاش و تبادل نظر است، مباحث مربوط به ناپایداری و پایداری به معنای انحراف و عدم انحراف یک نظام سیاسی از آرمان‌ها، دستاوردها و هنجارهای خود است، در این راستا، با بیان مختصری از مفهوم پایداری و ناپایداری در سه سطح امت، ارزش‌ها و نظام، به بررسی و تطبیق برخی از عوامل و شاخص‌های ناپایداری و پایداری حکومت‌های دینی در سطح نظام، از دیدگاه امام علی(ع) و ملاحظه آنها در نظام جمهوری اسلامی ایران که براساس آموزه‌های قرآنی و سنت اهل بیت(ع) شکل گرفته پرداخته می‌شود، زیرا در طول تاریخ ایران، شاخص عمده پایداری و ثبات، مبتنی بر حکومت‌های استبدادی و فردگرا بوده است و اگر در شرایطی نقش استبداد کم رنگ شده، هرج و مرج و ناپایداری جای آن را گرفته است. اما با تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران این الگو مورد توجه قراگرفت، که اگر ساختار حکومت مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی و براساس شیوه حکومتی امام علی(ع) باشد، دیگر نه استبدادی وجود خواهد داشت، نه هرج و مرج و ناپایداری سیاسی و اجتماعی، از طرفی شکل‌گیری برخی از ناپایداری‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران، نشان از فقدان یک چارچوب نظری می‌دهد. لذا به سراغ، اندیشه‌های سیاسی امام علی(ع) رفته و با بیان چارچوب نظری در قالب چرخه ثبات و بی‌ثباتی در سطح «نظام و دولت» و با در نظر گرفتن، محورهای شش‌گانه عدالت اجتماعی، شایسته‌سالاری، برابری در مقابل قانون، نظارت بر عملکرد کارگزاران، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و مشورت با آنها و وجود آزادی سیاسی، به بررسی و تبیین عوامل و شاخص‌های پایداری و ناپایداری سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران در پرتوی سیره و اندیشه‌های سیاسی امام علی(ع) می‌پردازیم. تا از این طریق هر روز شاهد پایداری و ثبات روزافزون نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و بر تداوم آن که حدود 36 سال در ایران تشکیل شده است استمرار دهیم. انشاءالله.

کلید واژه‌ها: پایداری و ثبات، ناپایداری و بی‌ثباتی، حکومت دینی.

فهرست مطالب

چکیده:..... ۵

مقدمه: طرح تمقیق

- 1- بیان مسأله..... 2
- 2- اهمیت و فایده آن:..... 3
- 3- سابقه تحقیق..... 3
- 4- جنبه نوآوری موضوع..... 5
- 5- اهداف تحقیق..... 6
- 6- سئوالات تحقیق..... 6
- سئوال اصلی:..... 6
- سئوالات فرعی:..... 7
- 7- چارچوب نظری تحقیق..... 7
- 8- فرضیه‌های تحقیق..... 7
- 9- پیش فرض‌های تحقیق..... 8
- 10- روش تحقیق..... 8
- 11- سازمان دهی تحقیق..... 8

فصل اول: کلیات و تمهیدات نظری

- مقدمه..... 11
- 1- مفاهیم..... 12
 - 1-1- معنا و مفهوم پایداری و ثبات سیاسی..... 12
 - 2-1- معنا و مفهوم ناپایداری و بی‌ثباتی سیاسی..... 16
 - 3-1- معنای و مفهوم حکومت دینی..... 18

2- تمهیدات نظری 22

فصل دوم: عوامل و شاخص‌های ناپایداری

و پایداری سیاسی از دیدگاه امام علی(ع)

مقدمه. Error! Bookmark not defined.

1- پایداری و ناپایداری در سطح امت اسلامی، از دیدگاه امام علی(ع) Error! Bookmark not defined.

2- پایداری و ناپایداری در سطح ارزش‌های دینی، از دیدگاه امام علی(ع) ... Error! Bookmark not defined.

3- عوامل و شاخص‌های پایداری و ناپایداری در سطح نظام و دولت اسلامی Error! Bookmark not defined.

3-1- عوامل و شاخص‌های ناپایداری سیاسی در حکومت دینی از دیدگاه امام علی(ع) Error!

Bookmark not defined.

3-1-1- ظلم و جور Error! Bookmark not defined.

3-1-2- بی لیاقتی و نداشتن صلاحیت Error! Bookmark not defined.

3-1-3- عدم مساوات و نابرابری در مقابل قانون Error! Bookmark not defined.

3-1-4- عدم نظارت بر عملکرد کارگزاران و کارکنان Error! Bookmark not defined.

3-1-5- عدم توجه به مشارکت مردم در تصمیم‌گیریها و عدم مشورت با آنها Error!

Bookmark not defined.

6-3-1- عدم اختیار و سلب آزادی اجتماعی و سیاسی Error! Bookmark not defined.

3-2- عوامل و شاخص‌های پایداری و ثبات سیاسی در حکومت دینی از دیدگاه امام علی(ع) Error!

Bookmark not defined.

1-3-2- عدالت اجتماعی Error! Bookmark not defined.

2-3-2- شایسته‌سالاری Error! Bookmark not defined.

3-3-2- برابری در مقابل قانون Error! Bookmark not defined.

4-3-2- نظارت بر عملکرد کارگزاران و کارکنان Error! Bookmark not defined.

5-3-2- مشارکت مردم در تصمیم‌گیریها و مشورت با آنها Error! Bookmark not

defined.

6-3-2- وجود آزادی‌های سیاسی Error! Bookmark not defined.

توضیح و بیان چارچوب نظری Error! Bookmark not defined.

فصل سوم: تطبیق عوامل و شاخص‌های ناپایداری و پایداری سیاسی

از دیدگاه امام علی(ع) بر نظام جمهوری اسلامی ایران

- مقدمه. Error! Bookmark not defined.
- 1- تطبیق عوامل و شاخص‌های ناپایداری سیاسی در حکومت دینی از دیدگاه امام علی(ع) بر نظام جمهوری اسلامی ایران. Error! Bookmark not defined.
- 1-1- ظلم و جور. Error! Bookmark not defined.
- 2-1- بی لیاقتی و نداشتن صلاحیت. Error! Bookmark not defined.
- 3-1- عدم مساوات و برابری در مقابل قانون. Error! Bookmark not defined.
- 4-1- عدم نظارت بر عملکرد کارگزاران و کارکنان. Error! Bookmark not defined.
- 5-1- عدم توجه به مشارکت مردم در تصمیم گیری‌ها و عدم مشورت با آنها Error! Bookmark not defined.
- 6-1- عدم اختیار و سلب آزادی اجتماعی و سیاسی. Error! Bookmark not defined.
- 2- تطبیق عوامل و شاخص‌های پایداری سیاسی در حکومت دینی، از دیدگاه امام علی(ع) بر نظام جمهوری اسلامی ایران. Error! Bookmark not defined.
- 1-2- عدالت اجتماعی. Error! Bookmark not defined.
- 2-2- شایسته سالاری. Error! Bookmark not defined.
- 3-2- برابری در مقابل قانون. Error! Bookmark not defined.
- 2- 4- نظارت بر عملکرد کارگزاران و کارکنان. Error! Bookmark not defined.
- 4- 2- 1- نظارت مجلس خبرگان بر رهبر. Error! Bookmark not defined.
- 2- 4- 2- نظارت رهبر بر قوای سه گانه. Error! Bookmark not defined.
- 4- 2- 3- نظارت رهبر بر نهادهای خارج از قوای سه گانه. Error! Bookmark not defined.
- 4- 2- 4- نظارت مجلس بر قوه مجریه. Error! Bookmark not defined.
- 4- 2- 5- نظارت شورای نگهبان. Error! Bookmark not defined.
- 4- 2- 6- نظارت قوه قضائیه. Error! Bookmark not defined.
- 4- 2- 1-6- از طریق سازمان بازرسی کل کشور. Error! Bookmark not defined.
- 4- 2- 2-6- از طریق دیوان عدالت اداری. Error! Bookmark not defined.
- 2- 4- 3-6- نظارت درونی در قوه قضائیه. Error! Bookmark not defined.
- 4- 2- 7- نظارت قوه مجریه. Error! Bookmark not defined.
- 2- 4- 1-7- نظارت‌های مستقیم رئیس جمهور. Error! Bookmark not defined.
- 2- 4- 1-1-7- نظارت بر اجرای قانون اساسی. Error! Bookmark not defined.

- 2- 4-7-1-2 نظارت بر هیأت وزیران.....Error! Bookmark not defined.
- 2- 4-7-2 نظارت‌های غیرمستقیم رئیس جمهورError! Bookmark not defined.
- 2- 4-7-1-2 از طریق سازمان مدیریت و برنامه ریزی.....Error! Bookmark not defined.
- 2- 4-7-2-2 از طریق وزیرانError! Bookmark not defined.
- 2- 4-7-3-2 نظارت دفاتر بازرسی.....Error! Bookmark not defined.
- 2- 4-7-4-2 نظارت دفاتر حراستError! Bookmark not defined.
- 2- 4-7-5-2 هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداریError! Bookmark not defined.
- 2- 4-7-6-2 نظارت سازمان حفاظت محیط زیست.....Error! Bookmark not defined.
- 2- 4-7-7-2 نظارت سازمان حسابرسی.....Error! Bookmark not defined.
- 2- 4-7-3-3 سایر موارد نظارتی در قوه مجریه.....Error! Bookmark not defined.
- 4-8- نظارت‌های مدنی.....Error! Bookmark not defined.
- 2-5- مشارکت مردم در تصمیم گیری‌ها و مشورت با آنها.....Error! Bookmark not defined.
- 2-6- وجود آزادی سیاسی.....Error! Bookmark not defined.

فاتمه: نتیجه گیری

منابع و مآخذ

مقدمه:

طرح تحقیق

1- بیان مسأله

از موضوعاتی که امروزه در محافل علمی و سیاسی و اجتماعی و... بسیار مورد کنکاش و تبادل نظر است، مباحث مربوط به پایداری و یا ناپایداری و بررسی عوامل و شاخص‌های آن در نظام‌های سیاسی جهان است. آنچه بیش از همه محورها در بحث نظام سیاسی مورد دقت است، موجبات پایداری و یا ناپایداری حکومت‌هاست. زیرا حکومت‌ها از جمله مظاهر سیاسی‌اند که در راستای پایداری و ناپایداری خود دارای علل و اسبابی‌اند و از این قاعده کلی مستثنا نبوده و نخواهند بود. بررسی برخی از عوامل و شاخص‌های پایداری و ناپایداری بسیار مهم و با اهمیت است و رعایت آنها در همه حکومت‌ها با بینش‌های مختلف ضروری است و منحصر به یک نوع حکومت یا ایده‌های متفاوت در زمان‌های خاص یا مکان‌های محدود نیست، بلکه بهره‌گیری و به کار بستن آنها در هر نوع حکومتی ضرورت دارد؛ خواه حکومت براساس ایدئولوژی مادی استوار باشد و خواه براساس ایدئولوژی معنوی یا تلفیقی از هر دو. مسأله مربوط به عوامل و شاخص‌های پایداری و ناپایداری نظام‌های سیاسی و اینکه پایداری و ناپایداری چگونه تعریف می‌شود.

نگرش دولت و جامعه سیاسی به مقوله شاخص‌های پایداری و یا ناپایداری در کشورهای در حال توسعه تا چه حد به واقعیت نزدیک است، آیا صرف اعتراض شهروندان علیه نهادهای حکومتی، یا هرگونه آشوب در سطوح اجتماعی را می‌توان نشانه ناپایداری و بی‌ثباتی سیاسی تلقی کرد. و ده‌ها پرسش از این قبیل، نشان می‌دهد که در یک نظام سیاسی، ثبات سیاسی به معنای نبود بی‌ثباتی سیاسی است، به معنای تداوم و استمرار و پایدار بودن نظام قانونی است، ثبات سیاسی به معنای وجود توازن میان خواسته‌های مردم از یک سو و کارویژه‌های دولتی از طرف دیگر است، مادامی که نظام سیاسی بتواند انتظارات مادی و معنوی یک جامعه را پاسخ‌گو باشد پایداری و ثبات نظام سیاسی حفظ می‌شود.

در پایان‌نامه حاضر با توجه به بحث پایداری و ناپایداری در سه سطح امت، ارزش‌ها و نظام، با در نظر گرفتن موضوع رساله، تمرکز اصلی، بر روی عوامل و شاخص‌های اصلی موجبات پایداری و ناپایداری حکومت‌های دینی در سطح «نظام و دولت» از دیدگاه امام علی(ع) بوده و

تطبیق این عوامل پایداری و ناپایداری بر نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. زیرا در نظام ج.ا.ا. که به عنوان یک حکومت دینی می‌باشد، شکل‌گیری برخی از ناپایداری‌ها، نشان از فقدان عملکردی مبتنی بر یک چارچوب نظری برگرفته اندیشه‌های سیاسی امام علی(ع) می‌دهد، که در این رساله برای جلوگیری از برخی بی‌ثباتی‌ها به بررسی و تبیین آن خواهیم پرداخت.

2- اهمیت و فایده آن

اهمیت و فایده بررسی عوامل پایداری و ناپایداری حکومت‌های دینی از دیدگاه امام علی(ع) و تطبیق آنها بر نظام جمهوری اسلامی ایران، آن است که همه در این زمینه باید ضمن تلاش جدی برای آسیب‌شناسی، به چاره‌جویی و جست‌وجوی راه‌های علاج عوامل و شاخص‌های ناپایداری حکومت اسلامی در پرتوی اندیشه سیاسی امام علی(ع) بپردازیم و به دنبال شناخت عوامل و شاخص‌های بقا و پایداری نظام جمهوری اسلامی در پرتو اندیشه‌های امام علی(ع) باشیم.

3- سابقه تحقیق

با بررسی‌های انجام گرفته در رابطه با سابقه تحقیق، نشان می‌دهد، فعالیت علمی و پژوهشی جامعی، که در آن به بررسی دیدگاه امام علی(ع) در رابطه با عوامل پایداری و ناپایداری حکومت دینی و انطباق آن بر نظام جمهوری اسلامی ایران، پرداخته شده باشد، انجام نگرفته است. اگرچه با مراجعه به برخی از یافته‌های علمی و پژوهشی به نکاتی از این دست اشاره شده است، همانند کتاب منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی، تألیف؛ امیر، عظیمی دولت آبادی، ایشان در این کتاب بیشتر به درگیری‌های فکری و خطوط سیاسی پرداخته است و توجه به سیره اهل بیت در منازعات سیاسی ندارد در عین حال دست آوردهای خوبی از حیث جریان‌شناسی در ایران ارائه می‌دهد نویسنده در این راستا رویکردهای نظری مختلفی را که در ارتباط با تعیین عوامل مؤثر بر خشونت و بی‌ثباتی سیاسی وجود دارد، مورد توجه قرار داده و سه رویکرد نارضایتی اقتصادی - اجتماعی (محرومیت نسبی)، فرصت سیاسی (بسیج منابع)، و وابستگی/ نظام جهانی را مورد بررسی قرار داده است تا در نهایت از تلفیق آنها چارچوب نظری مناسبی برای تحقیق خود ارائه دهد. او بدین منظور به چارچوب تبیینی کتاب

«رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» متوسل شده و الگوی آن را که نشان دهنده تأثیر رقابت سیاسی بر ثبات سیاسی می باشد، برای تحقیق خود برگزیده. کتاب تحلیل رقابت و ثبات سیاسی با نگاهی به تجربه جمهوری اسلامی ایران تألیف غلامرضا خواجه سروی، این کتاب در پی آن است که برای تحلیل پیوند دو مؤلفه رقابت سیاسی و ثبات سیاسی چارچوبی ارائه دهد، تا در پرتو آن بتوان تأثیر ثبات سیاسی بر رقابت سیاسی را در جمهوری اسلامی ایران سنجید. برای این منظور لازم می آید تا مفاهیم مهمی چون رقابت و ثبات سیاسی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و بر اساس آن ساختار نظری استوار گردد که از قابلیت لازم برای تغییر رفتارهای سیاسی و در ادامه ارائه تجویز جهت سیاست‌های آتی برخوردار باشد.

نگارنده در این کتاب با نگاه به شرایط جمهوری اسلامی ایران، در پی آن است تا بنای یک چارچوب نظری بومی را بگذارد و کتاب لوسین پای، بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروی و کتاب تأثیر فرهنگ سیاسی بر ساختار سیاسی ایران تألیف دکتر آل غفور که در آن به بررسی تأثیر فرهنگ بر ترسیم ساختار جامعه پرداخته شده است به طوری که نظریه پردازان «فرهنگ سیاسی»، همچون آلموند و پاول، با استفاده از تقسیم فرهنگ سیاسی جوامع مختلف به تقسیم نظامهای سیاسی آنها پرداخته‌اند. و کتاب دیوید ساندرز، الگوهای بی‌ثباتی سیاسی و کتاب ساموئل هانتینگتون، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی و کتاب، حجت الله ایوبی رقابت و ثبات سیاسی در رقابت‌ها و چالش‌های سیاسی در ایران امروز و کتاب محمدتقی رهبر، سیاست و مدیریت از دیدگاه امام علی (ع) با اشاره به نامه 53 نهج البلاغه به ترسیم حکومت مطلوب از دیدگاه امام علی (ع) پرداخته‌اند ولی اشاره به نظام جمهوری اسلامی و بررسی شاخص‌ها نشده است و....

با بررسی مقالات و پایان‌نامه‌ها موجود در سایت‌ها و برخی دانشگاه‌ها و مؤسسات تخصصی به این نتیجه دست یافتیم که موضوع مورد نظر در رساله تحقیقی حاضر از منظرهای مختلف و پراکنده تا حدودی بیان شده است که در فصل اول با بیان تمهیدات نظری، به برخی از نظریات، برای رسیدن به چارچوب نظری از باب مستندات، اشاره خواهد شد.

در رساله پژوهشی حاضر با مطالعه و دقت در منابع موجود و فعالیت‌های تحقیقی و پژوهش‌های انجام گرفته، به صورت دقیق‌تری به تبیین و بررسی عوامل و شاخص‌های پایداری

و ناپایداری در سطح نظام و دولت، از دیدگاه امام علی(ع) و تطبیق آن در جمهوری اسلامی ایران خواهد پرداخت.

4- جنبه نوآوری موضوع

در طول تاریخ ایران، شاخص عمده پایداری مبتنی بر حکومت‌های استبدادی و فردگرا بوده است و اگر در شرایطی نقش استبداد کم رنگ شده هرج و مرج و ناپایداری سیاسی و اجتماعی جای آن را گرفته است، اما با شکل‌گیری نظریه حکومت اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران این الگو مورد توجه قرار گرفت، که اگر ساختار حکومت مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی و براساس شیوه حکومتی امام علی(ع) باشد، دیگر نه استبدادی وجود خواهد داشت و نه هرج و مرج و ناپایداری سیاسی و اجتماعی. در این راستا بررسی و تطبیق عوامل و شاخص‌های پایداری و ناپایداری حکومت‌های دینی از دیدگاه امام علی(ع) و ملاحظه آن در نظام جمهوری اسلامی ایران که براساس آموزه‌های قرآنی و سنت اهل بیت(ع) شکل گرفته است، اهمیت می‌یابد.

به همین جهت رساله حاضر، به دنبال بیان و تبیین این امر مهم است که، با شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی در بیش از سه دهه نیازمند تبیین و بررسی عوامل و شاخص‌های پایداری و ناپایداری سیاسی در آن می‌باشیم، به این معنا که با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دینی (ج.ا.ا.) تجربه عملی در بیش از این سه دهه انقلاب نشان داده است که برخی ناپایداری‌ها آشکار گردیده و باعث عدم ثبات در نظام ج.ا.ا. شده است.

از آنجایی نظام ج.ا.ا. یک حکومت دینی است، سؤال اساسی و مهم این است که، چه عوامل و شاخص‌هایی باعث ناپایداری و بی‌ثباتی شده و هستند، طبعاً برای بررسی آن، باید به سراغ منابع دینی و اندیشه‌های اسلامی برویم، تا از طریق آنها به چارچوب نظری برسیم، لذا برای بررسی سطوح ثبات و بی‌ثباتی (امت، ارزش‌ها و نظام) به سراغ اندیشه‌های سیاسی امام علی(ع) رفته تا با استفاده از آن، به بررسی و تبیین عوامل و شاخص‌های پایداری و ناپایداری حکومت‌های دینی در سطح «نظام و دولت» و تطبیق آن بر نظام ج.ا.ا. که فاقد چارچوب نظری مبتنی بر عوامل یاد شده دارد، پرداخته شود، زیرا پایداری و دوام نظام جمهوری اسلامی ایران، بدون تحقق شرایط و لوازم آن امکان‌پذیر نیست.

در رساله حاضر مواردی که ذیلا اشاره می‌گردد جنبه‌های نوآوری داشته و مورد توجه قرار خواهند گرفت: 1) بیان و تبیین چارچوب نظری در رابطه با عوامل و شاخص‌های پایداری و ناپایداری نظام‌های سیاسی براساس نهج البلاغه. (به خاطر توصیفی و اکتشافی بودن رساله در ضمن آن بیان می‌شود). 2) تطبیق عوامل و شاخص‌های پایداری و ناپایداری سیاسی بر نظام جمهوری اسلامی.

5- اهداف تحقیق

با توجه به عوامل و شاخص‌های پایداری و ناپایداری سیاسی در حکومت دینی از دیدگاه امام علی(ع) و تطبیق آن بر نظام جمهوری اسلامی ایران، می‌توان اهداف و ضرورت‌های اصلی را از باب تثبیت حکومت اسلامی با شاخص‌های علوی، اینچنین بیان نمود، که نظام جمهوری اسلامی در این 36 سال گذشته فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است و استکبار جهانی نیز تمام تلاش خود را برای ایجاد ناپایداری و بی‌ثباتی در نظام جمهوری اسلامی ایران انجام داده‌اند، با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و ظهور امام خمینی(ره)، نظام استبدادی فرو ریخت و عصر جدیدی با رویکرد جدید آغاز شد.

آنچه امروز به پایداری و تثبیت پایه‌های نظام جمهوری اسلامی و تحکیم آن می‌انجامد بازگشت به سیره و اندیشه‌های سیاسی امام علی(ع) است، لذا شناخت شیوه درست و کارآمد سیاسی - اجتماعی، عوامل و شاخص‌های پایداری و ناپایداری سیاسی در حکومت دینی از دیدگاه امام علی(ع) در سه سطح امت اسلامی، ارزش‌های دینی و دولت اسلامی و تطبیق این عوامل و شاخص‌های پایداری و ناپایداری سیاسی در سطح دولت و نظام اسلامی بر نظام جمهوری اسلامی مورد توجه و اهمیت قرار می‌گیرد.

6 - سئوالات تحقیق

سؤال اصلی:

عوامل و شاخص‌های پایداری و ناپایداری سیاسی در حکومت دینی از دیدگاه امام علی(ع) کدامند و این عوامل و شاخص‌ها در نظام جمهوری اسلامی چه نمودی داشته‌اند؟

سئوالات فرعی:

- 1- عوامل و شاخص های پایداری و ناپایداری در اندیشه سیاسی امام علی(ع) چگونه بوده و چه تفاوتی با دیگر نظریه های مرتبط با عوامل و شاخص های یاد شده دارند؟
- 2- راهکارهای اجرای و عملی عوامل و شاخص ها پایداری و ناپایداری در نگاه امام علی(ع)، بر نظام جمهوری اسلامی ایران چگونه می باشد؟

7 - چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری رساله، به صورت اکتشافی و تطبیق نظری از سیره و اندیشه سیاسی امام علی(ع) درباره ثبات و بی ثباتی سیاسی در ضمن رساله بیان می گردد. به این معنا که در فصل اول با بیان، کلیات و تمهیدات نظری، در فصل دوم با بررسی لایه ها و سطوح عوامل و شاخص های ناپایداری و پایداری سیاسی در حکومت دینی از دیدگاه امام علی(ع) با تمرکز بر سطح نظام، به بیان چارچوب نظری خواهیم پرداخت. و در فصل سوم با الهام از این عوامل و شاخص ها و با توجه به چارچوب نظری ارائه شده در پرتو اندیشه های سیاسی امام علی(ع) در سطح دولت اسلامی، به بررسی و تطبیق عوامل و شاخص ها پایداری و ناپایداری سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران می پردازیم.

8 - فرضیه های تحقیق

با توجه به اکتشافی و توصیفی بودن رساله و از آنجایی که موضوع رساله بحث دولت و سیاست است، فرضیه ناظر به سطوح مختلف ثبات و بی ثباتی خواهد بود. لذا فرضیه اصلی متشکل از:

- 1- **فرضیه عام:** شامل سه لایه و سطوح (امت، ارزش ها و نظام) می باشد، که در اندیشه سیاسی امام علی(ع) برای حفظ پایداری و ثبات سیاسی حکومت دینی، مورد توجه قرار گرفته اند.
- 2- **فرضیه خاص:** راجع به دولت و نظام سیاسی می باشد. که در این رساله، در قالب دوپرخه عوامل ناپایداری و پایداری سیاسی از دیدگاه امام علی(ع) مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد و در ادامه به تطبیق آنها بر نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخت خواهد شد.

9- پیش فرض‌های تحقیق

1- امام علی(ع) در ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه به عوامل و شاخص‌های پایداری و ناپایداری سیاسی برای پیشبرد اهداف الهی و حکومت اسلامی توجه و دقت نظر داشته‌اند.
2- جهت پیشبرد اهداف و حفظ دست‌آورد های نظام جمهوری اسلامی ایران، انطباق عوامل ثبات و بی‌ثباتی به سیره علوی از مسائل بسیار بااهمیت و ضروری در راستای پایداری می باشد.

10- روش تحقیق

روش تحقیق، با توجه به تحلیل داده‌ها انجام می‌پذیرد و شیوه گردآوری اطلاعات میدانی و کتابخانه‌ای و ابزار آن به صورت فیش برداری می‌باشد، به این معنا که تلاش می‌شود با مراجعه به متون مرتبط با اندیشه سیاسی امام علی(ع)، به تحلیل عوامل پایداری و ناپایداری سیاسی در حکومت دینی پرداخت، به همین علت، این تحلیل نیازمند الگوی روشی خاصی است که در رساله حاضر از روش تفسیری استفاده می‌شود، لذا با استفاد از اصول و قواعد روش تفسیری، تلاش خواهد شد که با تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها به تبیین یا تشریح معانی پرداخته شود که در دل داده‌ها نهفته‌اند.

روش تفسیری سبب می‌شود که فهم جامع و روشنی از داده‌ها و مفاهیم پیدا کنیم. زیرا در خلال تفسیر داده‌ها تناقضات و مطالب ضد و نقیض و یا چگونگی روابط متقابل واقعیت‌ها یا رخدادها خود را نشان می‌دهند. تجزیه و تحلیل داده‌ها این امکان را فراهم می‌سازد تا طبقه‌بندی و چارچوب منطقی و عقلانی از واقعیت‌ها به وجود آوریم. بدین جهت می‌توان، گزاره‌هایی از اندیشه سیاسی امام علی(ع) استخراج و با کنار هم قرار دادن آنها، به ترسیم نظریه‌ای خاص درباره عوامل پایداری و ناپایداری سیاسی در حکومت دینی پرداخت.

11- سازمان‌دهی تحقیق

رساله پژوهشی حاضر متشکل از یک مقدمه و سه فصل و یک خاتمه و نتیجه‌گیری می‌باشد، در فصل اول با بیان کلیات و تمهیدات نظری و توضیح مفاهیم موجود با اشاره به تمهیدات نظری به ارائه مستندات درباره، عوامل پایداری و ناپایداری پرداخته می‌شود و در

فصل دوم با در نظر گرفتن، مستندات ارائه شده در تمهیدات نظری، به بررسی و بیان عوامل و شاخص‌های ناپایداری و پایداری در حکومت دینی در سطوح امت اسلامی، ارزش‌های دینی و نظام اسلامی از دیدگاه امام علی(ع) خواهیم پرداخت.

در این فصل با بیان ارتباط میان فصول، از آنجایی که تمرکز رساله پژوهشی بر روی دولت اسلامی و نظام سیاسی می‌باشد، برای ترسیم چارچوب نظری به تحلیل و تبیین عوامل ناپایداری و پایداری در سطح نظام پرداخته می‌شود و در فصل سوم با در نظر گرفتن چارچوب نظری رساله، در پرتوی اندیشه سیاسی و دیدگاه حکومتی امام علی(ع) به تطبیق عوامل و شاخص‌های ناپایداری و پایداری در حکومت دینی بر نظام ج.ا.ا. پرداخته خواهد شد. و در پایان با جمع بندی و نتیجه‌گیری به بیان و تبیین دستاوردهای عوامل و شاخص‌های پایداری و ناپایداری سیاسی در حکومت دینی از دیدگاه امام علی(ع) و تطبیق آنها بر نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته، تا در پرتوی اندیشه‌ها و دیدگاه نظری امام علی(ع) مشکلات و موانع پیشرفت و توسعه سیاسی - اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی را بدست آورده و به دنبال اصلاح یا بر طرف کردن آنها باشیم.

فصل اول:

کلیات و تمهیدات نظری

مقدمه

تشکیل حکومت امام علی(ع) پس از حکومت پیامبر اسلام(ص) بهترین نمونه از یک حکومت اسلامی است. درس‌هایی که می‌توان از روند تشکیل، پایداری این حکومت آموخت نه تنها برای پیروان آن حضرت، بلکه برای هر ناظر و تحلیل‌گر سیاسی، هدایت بخش و درس آموزی عمیق و وسیع دارد. در بینش اسلام چون بشر از مواهب درک و عقل و شعور ذاتی برخوردار است و از طرفی زندگی و ادامه حیات او به صورت جمعی پایه گذاری شده، ضروری است مطابق با شأن و منزلت خویش دارای نظم و ضابطه جمعی مناسب باشد تا در سایه آن امنیت و آسایش خود را برای رشد و شکوفایی استعدادهایش به دست آورد. شاهد بر این مدعا بیان نورانی امام علی(ع) است که در پاسخ به شعار انحرافی گروه خوارج نهروان که می‌گفتند: «لا حکم الا لله»، فرمود:

«وانه لا بد للناس من امیرٍ برَّ او فاجرٍ يعمل فی امرته المؤمن و یستمع فیها الکافر و یبلغ الله فیها الاجل و یجمع به الفیء و یقاتل به العدو و تأمن به السبل و یؤخذ به للضعیف من القوی.»^۱

«مردم به زمامدار نیک یا بد نیازمندند تا مؤمنان در سایه حکومت به کار خود مشغول و کافران هم از آن سود ببرند تا آنگاه که وعده حق سر رسد و مدت هر یک در رسد. در سایه حکومت او مال دیوانی را فراهم آورند و با دشمنان پیکار کنند و راه‌ها را ایمن سازند و به نیروی او حق ناتوان را از توانا بستانند.»

با بررسی‌های انجام گرفته می‌توان چنین بیان کرد که حدود 20٪ از خطبه‌های نهج‌البلاغه به بررسی دلایل پایداری یا ناپایداری حکومت‌ها پرداخته است. بطوری که، این ویژگی‌ها و شاخص‌ها، عوامل بی‌ثباتی و ناپایداری و حتی سقوط یک جامعه را تبیین می‌کنند. این فصل از رساله تلاش دارد تا با بیان کلیات و تمهیدات نظری علاوه بر بیان مفاهیم موجود در رساله به پیشینه تحقیق نیز بپردازد.

بررسی عوامل پایداری مترتب بر این است که اصل ناپایداری و بی‌ثباتی حکومت‌ها را بپذیریم. یعنی اول باید اثبات کنیم که حکومتی ناپایدار است سپس به علل و عوامل آن پردازیم. مطلب مهم و اساسی دیگر اینکه، شایسته است متولیان امر و صاحبان قدرت، در مرحله اول و در نخستین روزهای تصدی قدرت سیاسی و حکومت، به دنبال شناخت علل و عوامل بی‌ثباتی و ناپایداری حکومت بروند و آن را به طور کامل بررسی نمایند. همچنین به تعقیب و شناسایی موجبات پایداری و ثبات آن پرداخته، پس از شناسایی، عوامل ناپایداری از آن پرهیز یا با آن مقابله و مبارزه کنند.

در رساله حاضر با توجه به بررسی عوامل پایداری و ناپایداری در سه سطح امت، ارزش‌ها و نظام از دیدگاه امام علی(ع) با تمرکز بر لایه سوم به تحلیل و تبیین محورهای شش‌گانه عدالت اجتماعی، شایسته سالاری، برابری در مقابل قانون، نظارت بر عملکرد کارگزاران، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و مشورت با آنها و وجود آزادی سیاسی به عنوان عوامل و شاخص‌های پایداری و ثبات سیاسی و همچنین عدم توجه به آنها به عنوان عوامل و شاخص‌های ناپایداری و بی‌ثباتی سیاسی حکومت‌های دینی پرداخته می‌شود و در ادامه تلاش خواهد شد تا از طریق بیان ارتباط بین محورهای شش‌گانه به ترسیم چارچوب نظری رساله از دیدگاه امام علی(ع) برسیم.

1- مفاهیم

اندیشمندان و نظریه پردازان در حوزه‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی تعاریف گوناگونی از ناپایداری و پایداری ارائه داده‌اند، تنوع و گوناگونی این تعاریف اغلب معلول اختلاف در رویکردها، نسبت به مسأله پایداری بوده است. شرایط و موقعیت‌های زمانی و مکانی نیز در تنوع و گاه تضاد تعاریف دخیل است. در بررسی و ارائه تحلیلی صحیح پیرامون موضوع فوق به بررسی مفاهیم موجود در رساله پژوهشی می‌پردازیم.

1-1- معنا و مفهوم پایداری و ثبات سیاسی

ثبات و پایداری در لغت به معنای استواری و استحکام می‌باشد، در فرهنگ‌نامه‌های فارسی سه تلفظ از ثبات شده است. یک لفظ، «ث» را ضمه داده و ثبات را عملی دانسته که

آدمی را از حرکت باز می‌دارد^۱ تلفظ دوم «ث» را فتحه داده و «ثبات» را بر جای ماندن، قرار گرفتن، دوام یافتن، پایدار ماندن، پابرجای، استقرار، ثبوت، پایداری، استواری^۲ بقاء، پابرجایی، پافشاری و ایستادن معنی کرده است و تلفظ سوم «ث» را کسره داده و «ثبات» را به معنی بند برقع، تسمه است.^۳ چنان که مشاهده می‌شود تمام معانی صورت گرفته از پایداری و ثبات براساس درون‌مایه ماندن شکل گرفته است.

از لحاظ لغوی پایداری و ثبات دارای دو معناست: اول به معنای سکون و بقاء، این نوع ثبات و پایداری در بعد سیاسی به معنای بقاء و پایداری اقتدارگرایانه است. دوم؛ پایداری و ثبات به معنای ماندن یا دوام یافتن، این نوع از پایداری و ثبات در بعد سیاسی به معنای ثبات سیاسی پویا یا دموکراتیک است. تعاریف به عمل آمده از ثبات و پایداری سیاسی نیز همگی ثبات پویا و بادوام را مدنظر قرار داده و از ثبات سیاسی اقتدارگرایانه دوری جست‌ه‌اند، مفهوم ثبات و پایداری سیاسی از لحاظ اصطلاحی، یعنی اعتقاد حقیقی و التزام و پایبندی عملی افراد جامعه به اهداف متعالی نظام و حرکت پرشتاب کشور در مسیر این اهداف.

بنابراین هر چه جامعه بتواند به اهداف متعالی خود که ساختن جامعه نمونه است. نزدیکتر شود، ثبات سیاسی بیشتری خواهد داشت و هر چه در اثر سیاست‌ها و اقدامات و یا حوادث از اهداف متعالی خود عقب افتاده یا منحرف شود از ثبات سیاسی کمتری برخوردار است. بنابراین پایداری و ثبات عبارت است: از عدم وقوع رفتارها یا «حوادث» بی‌ثبات کننده‌ای از این قبیل موارد.

از دیدگاه مشروعیت سیاسی، به اعتقاد برخی از نظریه‌پردازان، نظام‌های سیاسی و اجتماعی با ثبات آنهایی هستند که در آن اکثر مردم در بیشتر اوقات دلایلی برای کنش در جهت حمایت و بقای نظام دارند. لکن تنوع و ترکیب دلایل حمایت از یک نظام ممکن است بسیار گسترده و پیچیده باشد از نوع شکاف‌های اجتماعی و نحوه ترکیب آنها گرفته تا عوامل

1- معین، فرهنگ لغت، ج 1، 1371، ص 1186.

2- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج 8، ص 726.

3- همان، ص 725.

ساختاری و قانونی همانند نظام‌های انتخاباتی و نظام‌های حزبی در یک سیستم سیاسی^۱ در دیدگاه مشروعیت «ثبات سیاسی باید به صورت دموکراتیک باشد. یعنی برای اینکه جامعه‌ای در گروه جوامع با ثبات قرار گیرد شرط لازم، آن است که در آن ارزش‌های دموکراسی حفظ شود.

طبق دیدگاه ساموئل هانتنگتون: «ثبات هر جامعه سیاسی به رابطه سطح مشارکت سیاسی با سطح نهادمندی سیاسی آن بستگی دارد». در صورتی ثبات سیاسی جامعه حفظ می‌شود که به موازات افزایش مشارکت سیاسی، پیچیدگی، استقلال، تطبیق و انسجام نهادهای سیاسی جامعه نیز فزونی گیرد.^۲

با تأمل در تعاریف فوق معلوم می‌گردد که، ثبات سیاسی ناظر به وجود توازنی بین «خواست‌های مردمی» از یک طرف و «کارویژه‌های دولتی» از طرف دیگر می‌باشد. به تعبیر دیگر در درون هر جامعه‌ای چنانچه نظام سیاسی حاکم بتواند به خواست‌های متنوع مردم پاسخ درخور و قانع‌کننده‌ای بدهد و نظام مزبور مطابق با باور، عقاید و در یک کلام ایدئولوژی مورد قبول جامعه باشد و از جانب آن تأیید گردد، آن نظام از ثبات برخوردار خواهد بود. پس چنان چه کارآمدی دولت به هر دلیلی کاهش یابد (دولت‌های ائتلافی بر آمده از نظام‌های انتخاباتی تناسبی) زمینه بروز نارضایتی فراهم می‌آید که در صورت گسترش و تعمیق آن ممکن است به زوال مشروعیت سیاسی نظام و در نهایت بروز رفتارهای اعتراض آمیز، که تجلی بیرونی بی‌ثباتی سیاسی هستند، منجر گردد.^۳ در واقع ثبات سیاسی عبارت است از: توازن بین «خواست‌های مردمی» از یک سو و «کارویژه‌های دولتی»^۴ از سوی دیگر. به عبارت دیگر، در درون هر جامعه‌ای چنان چه نظام سیاسی بتواند به خواست‌های متنوع مردم پاسخ درخور و مناسبی بدهد و نظام مزبور مطابق با باور، عقاید و در یک کلام ایدئولوژی حاکم بر جامعه باشد، آن جامعه دارای ثبات سیاسی و امنیت خواهد بود. نتیجه آن که ثبات سیاسی مبتنی بر سه متغیر

1. Ellen Frankel Paul et al. **Democracy**, New York: Cambridge University Press, 2000 p.24.

2- ساموئل هانتنگتون، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ص 119.

3- اصغر افتخاری، «رسانه‌ها و ثبات سیاسی» در: مجموعه مقالات همایش رسانه‌ها و ثبات سیاسی - اجتماعی

جمهوری اسلامی ایران، صص 66-67.

4 - تافلر، آلون، موج سوم، ص 607

است: خواست‌های مردمی، کارکردهای نظام و سرانجام ضریب ایدئولوژیکی که معرف میزان همسویی و یا واگرایی باورهای مردمی با اصول حکومتی می‌باشد.

با جمع بندی رویکردهای یاد شده در باره تعریف ثبات سیاسی، می‌توان تعریف زیر را از ثبات سیاسی ارائه داد: «ثبات سیاسی عبارت است از فقدان نسبی برخی از انواع حوادث سیاسی «بی ثبات کننده»^۱ به همین جهت است که، هر نظام سیاسی پویا در تعامل با محیط داخلی و خارجی خویش، به ناچار درگیر تنش‌ها و بحران‌هایی می‌شود که اگر نتواند آنها را مدیریت نماید نظام سیاسی دچار ناپایداری و بی‌ثباتی شده و امنیت آن به شدت در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

در تعریف اولیه ساندرز از ثبات (البته به شکل نقل قول او از دیگران) آن است که، ثبات ناظر است بر فقدان نسبی برخی انواع حوادث سیاسی «بی‌ثبات کننده» که خواه به صورت تغییر در ساختار قدرت، تغییر در حکومت و خواه به صورت مسالمت آمیز یا حتی خشونت آمیز، به چالش با قدرت سیاسی موجود یا خود ساختار اقتدار سیاسی می‌نجامد^۲ و این تعریف پیش گفته از وی یعنی: «معیاری که بتوان به وسیله آن یک نظام سیاسی را در هر مقطع از زمان «بی‌ثبات» خواند معیاری است که با وقوع یا عدم وقوع تغییرها و چالش‌ها در هر حکومت، رژیم یا جامعه‌ای نسبت مستقیم دارد. یعنی آن که تا چه حد این تغییرها و چالش‌ها، الگوی معمولی یک سیستم خاص حکومتی، رژیم یا جامعه‌ای را تغییر داده‌اند و تا چه میزان باعث ایجاد چالش در آنها شده‌اند. مسلم است که این الگو خود با گذشت زمان دستخوش تغییر می‌شود.

با توجه به مطالب یاد شده، به بررسی و تبیین دیدگاه آن حضرت درباره ثبات و پایداری حکومت‌های دینی می‌پردازیم. امام علی(ع) ملاک و معیار ثبات و پایداری نظام‌های سیاسی را در اجرای اصل عدالت می‌داند و عدالت را باعث ثبات، الفت و محبت مردمان و در مقابل آن، ظلم را موجب بی‌ثباتی، نفرت و تفرقه میان آنان به حساب می‌آورد و تأکید می‌کند: «بهترین چیزی که مایه روشنی چشم زمامداران و مسئولین است همانا گسترش عدل و داد در بلاد و

1- دیوید ساندرز، پیشین، صص 120-116.

2- همان.

شهرها و همچنین دوستی رعیت و مردمی است که زمامداران مسئول خدمتگزاری آنان می‌باشند و دوستی آنان در پرتو سلامت دل‌های آنهاست. روشن است که سلامت دل در سایه عدل حاصل می‌شود و تا مردم نسبت به تمام کارهای مسئولان و برنامه‌های آنها احاطه و اطلاع نداشته باشند، هرگز نصیحت کننده دولت نخواهند بود و بدون فشار و سنگینی بارهای تحمیلی از جانب دولت است که مردم می‌توانند خالصانه نصایح خود را تقدیم دارند...»^۱

ثبات و پایداری حکومت از نگاه امام علی(ع) به رعایت اصل پاداش بر مبنای شایستگی و عدالتی بستگی دارد که در قالب آن افراد اجتماع به آنچه که استحقاقش را دارند دسترسی پیدا کنند. این اصل می‌تواند تعادل و ثبات اجتماع را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد. به پیکر اجتماع سلامت و به روح آن آرامش دهد. «من حسنت سیاسته دامت ریاسته»؛ «حاکمی که سیاستش نیکوست، ریاستش پیوسته و مداوم است.»^۲

در واقع محور و مبنای اندیشه حضرت علی(ع) در باب پایداری و ناپایداری دولت‌ها بر اساس دو اصل عدل و ظلم می‌باشد. لذا با توجه به مطالب بیان شد می‌توان ثبات و پایداری از نگاه امام علی(ع) این طور تعریف نمود، که ثبات و پایداری حکومت؛ یک فرایندی است که در سایه عدالت بدست می‌آید و عدالت مایه نظام و پیوند کار زمامداری و حکومت است: یعنی دولت اگر بر قواعد عدل عمل می‌کند، ثابت و پایدار می‌ماند و اگر دولتی به راه ستم رود، اقتدارش سست و سایه‌اش زایل شود.

1-2- معنا و مفهوم ناپایداری و بی‌ثباتی سیاسی

ناپایداری و بی‌ثباتی، در لغت به معنای بی‌قراری، بی‌طاقتی، بی‌تابی، ناشکیبایی و بی‌صبری است.^۳ بی‌ثباتی سیاسی را بر مبنای آشوب این گونه تعریف می‌کنند، که شامل آشوب، اعتراضات گسترده، اعتصابات عمومی، نظاهرات‌ها، شورش‌ها، تروریسم، جنگ چریکی، جنگ داخلی و جنگ مرزی است.^۴ دیوید ساندرز در تعریف از ثبات و بی‌ثباتی سیاسی می‌گوید:

1- نهج البلاغه، نامه 53.

2- همان، ح 8438

3- لغت نامه دهخدا، پیشین، ص 727.

4- همان، ص 27.

«معیاری که بتوان به وسیله آن یک نظام سیاسی را در هر مقطع از زمان «بی ثبات» خواند، معیاری است که با وقوع تغییرها و چالش‌ها در هر حکومت، رژیم یا جامعه نسبت مستقیم دارد، یعنی آنکه تا چه حد این تغییرها و چالش‌ها، الگوی معمولی یک سیستم خاص حکومتی، رژیم یا جامعه‌ای را تغییر داده‌اند و تا چه میزان باعث ایجاد چالش در آنها شده‌اند.^۱

از دیدگاه امام علی(ع) مهم‌ترین اصل در ناپایداری اداره امور کشور، ظلم است. اگر دولت‌ها براساس ظلم و جور عمل کنند و از ستمگری و تبعیض دوری نکنند، راه وحدت، هم‌دلی، اعتدال و راستی را بر مردمان خود می‌بندند و از گزند روزگار در امان نمی‌مانند و زمینه ناپایداری و بی‌ثباتی را فراهم می‌کنند. در نگاه امام علی(ع) وجود ظلم و ستم در اداره جامعه سیاسی و اجتماعی باعث می‌شود تا قوانین تابع عدالت نباشد و استحقاق‌ها و شایستگی‌ها در همه امور رعایت نگردد. و جامعه دچار بی‌ثباتی و ناپایداری شود. زیرا حکومت ستم‌گر ناپایدار است.^۲ ظلم و ستم سرزمین‌ها را ویران و خراب می‌سازد.^۳ هیچ دولت و حکومتی با ظلم و ستم بقاء نمی‌یابد و حقیقت این است که: «الْمَلِكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ، وَ لَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ؛ حکومت با کفر برقرار می‌ماند و با ستم پایدار نمی‌ماند.»^۴

در نگاه امام علی(ع) عدم مساوات و تبعیض، مردم را نسبت به حکومت بدبین و مخالف می‌سازد تا جایی که آنها را وادار می‌کند که بر علیه دولت دست به مبارزه مسلحانه بزنند. لذا امام علی(ع) به مالک اشتر می‌فرماید: از خشونت و سخت‌گیری بیجا و ستمگری بپرهیز، چرا که سخت‌گیری موجب فرار مردم از منطقه است و ظلم و ستم دعوت به مبارزه مسلحانه می‌کند.... عاقبت ظلم و نتیجه بد رفتاری حکومت با مردم، از دست رفتن آن حکومت است. حکومتی که پایه‌های آن بر ستم و تجاوز به حقوق مردم باشد و برای پایداری خود دست به شکنجه و کشتار بزند، در نهایت محکوم به بی‌ثباتی و بالتبع نابودی است.

1- ساندرز، الگوهای بی‌ثباتی سیاسی، ص 109.

2- عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، پیشین، ج 4، ص 10.

3- همان، ج 1، ص 267.

4- محمد نیشابوری، مکارم اخلاق، به کوشش محمدتقی دانش پژوه، ص 125.

امام علی(ع) ناپایداری را در فرآیندی می بیند که، حکومت و نظام سیاسی درهای ستمگری را می گشاید و بر مردم خویش جفا روا می دارد، در این صورت نظام سیاسی باید در انتظار ویرانی سرزمین ها و شورش انسان ها و در نهایت زوال حکومت باشد.

1-3- معنای و مفهوم حکومت دینی

حکومت از واژه حکم گرفته شده است و حکم در زبان عربی به معنای منع و جلوگیری از اصلاح^۱ و جلوگیری از ظلم و ستم است.^۲ در اصطلاح، حکومت عبارت: از نهادی که افراد جامعه را به همدیگر مربوط می کند و عهده دار حفظ قانون و آزادی سیاسی و مدنی است حاکمیت نیز به معنی: قدرت برتری است که وضع کننده قانون و اجرا کننده آن بوده و قدرتی فراتر از آن نباشد. قرآن برای بیان مفهوم اخیر که ارتباط تنگاتنگی به حوزه علوم سیاسی دارد از واژگانی چون حکم و ملک و خلف و ولی استفاده و بهره برده است.^۳

اسلام اهداف حکومت دینی را در برقراری رفاه و امنیت خلاصه نمی کند و مقولات مربوط به سعادت و معنویت جامعه اسلامی را نیز در دستور کار حاکمیت قرار می دهد، حکومت قرآنی باید بستر جامعه را برای زندگی مطلوب ایمانی و اخلاقی مهیا سازد و علاوه بر تأمین رفاه عمومی به ویژه برای اقشار نیازمند، جانب فرهنگ دینی و نشانه های الهی را نیز تبیین نماید؛ از جمله اهداف حاکمان مؤمن این است که هم در فکر ارتقای روحی و رشد امور معنوی مردم هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه می باشند.^۴

حکومت دینی، حکومتی است که در آن امنیت، صنعت، مدیریت و امکانات طبیعی همراه با مقام معنوی باشد.^۵ این نوع از حکومت، در اندیشه سیاسی امام علی(ع) به مفهوم «مدیریت، هدایت، محبت، مشارکت و خدمت به مردم» است.

1- راغب اصفهانی، المفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، ص ۸۴۲.

2- احمد ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۹۱.

3- اکبر هاشمی رفسنجانی، فرهنگ قرآن، ج ۲۱، ص ۸۸.

4- محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۸، ص ۱۵.

5- همان، ج ۱، ص ۲۱۱.

حکومت نزد امام(ع) ابزاری برای احقاق حق بود و وسیله‌ای توانمند برای رسیدن به اهداف والا. ایشان در نامه‌ای که به اشعث بن قیس، استاندار آذربایجان نوشته است، مفهوم درست و انسانی حکومت دینی را این طور مطرح می‌کند: همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نخواهد بود، بلکه امانتی است در گردن تو، باید از فرمانده و امامت اطاعت کنی، تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی، در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه‌دار آنی تا به من بسپاری، امیدوارم برای تو بدترین زمامدار نباشم.

امام علی(ع) این برداشت که حکومت طعمه‌ای در اختیار زمامداران است که هرگونه بخواهند می‌توانند عمل کنند، را نفی می‌کند و نقطه مقابل چنین برداشتی را اثبات می‌کند؛ یعنی حکومت مسؤولیت و امانتی است که بر گردن زمامداران است و حکومت باید پاسخگو باشد و برای اقدامات خود حجت روشن داشته باشد. حاکمان در واقع، خزانه داران و وکیلان مردمند؛ حضرت علی(ع) فرمود: «ان السلطان الامین الله فی الارض و مقیم العدل فی البلاد و العباد و وزعته فی الارض»؛ «همانا زمامدار، امین خدا در زمین، برپادارنده عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد و گناه در میان مردم است.» اگر کسی چنین تفکری داشته باشد که حکومت یعنی تسلط، تجبر و استبداد به رأی، این امر باعث فساد دل و خرابی دین و دگرگونی حکومت می‌شود. امام علی(ع) درباره حکومت و حاکمیت در جامعه اسلامی می‌فرماید:

«و لا تقولن انی مومر امر فاطع فان ذلک ادغال فی القلب و منهکه للدين

و تقرب من الغير...»

«مبادا بگویی من اکنون بر آنان مسلطم، فرمان دادن از من است و از آنان

اطاعت کردن، که عین راه یافتن فساد در دل و خرابی در دین و نزدیک شدن تغییر و

تحول (در قدرت) است.»

امام علی(ع) در عهد نامه مالک اشتر، تفکر سلطه‌گرانه، و خودکامگی را نفی می‌کند و حاکمان را دعوت به محبت و مهربانی می‌کند: «و اشعر قلبک الرحمه للرعیه... و ترضی ان یعطیک الله من عفوه و صفحه.» مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و

مهربان باش، مبادا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می باشند، اگر گناهی از آنان سر می زند، یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد. یعنی فهم سلطه گرانه و خودکامانه از حکومت انسان را تا جانوری درنده خوی تنزل می‌دهد و باعث می‌شود که کرامت و عزت انسان‌ها و حریم آنها شکسته شود. بر اساس سیره و اندیشه سیاسی امام علی(ع) ملاک در حکومت دینی آن است که، حکومت ماهیت و محتوای مردمی داشته باشد و به انتخاب مردم باشد و لذا تعیین شکل و نوع حکومت از آن مردم خواهد بود. حکومت باید برآمده از خواست مردم باشد حکومتی ثبات و پایداری دارد که خاستگاه آن بر آمده از مردم باشد ملاک این است که آزادی و امنیت مردم تأمین بشود. بنابراین حکومت دینی در اندیشه سیاسی امام علی(ع) مبتنی بر مردم سالاری دینی است و حق انتخاب از آن مردم است و اصل بر نفی سلطه و استبداد است.

ورود امام علی(ع) به عرصه سیاست و پذیرش حکومت به مفهوم ریاست طلبی و سلطه جویی نبود، بلکه حکومت از این جهت نزد آن حضرت بسیار ناچیز و پست است که از عطسه یک بز زکام خورده و یا از لنگه کفشی پاره، بی‌ارزش‌تر است؛ در گفتارها و نوشتارهای امام علی(ع) فراوان مشاهده می‌شود که آن حضرت بارها و بارها بر سر حکومت و قدرت کوبیده و آن را تحقیر نموده، تا جایی که می‌فرماید: «این (حکومت) نزد من از استخوان خوکی که در دست یک آدم جذامی باشد، پست‌تر است»^۱.

«قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) بِنَدِي قَارٍ وَهُوَ يَخْصِفُ نَعْلَهُ فَقَالَ لِي مَا قِيمَةُ هَذَا النَّعْلِ فَقُلْتُ لَا قِيمَةَ لَهَا فَقَالَ (ع) وَاللَّهِ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أَقِيمَ حَقًّا أَوْ أَدْفَعَ بَاطِلًا»^۲

«امام(ع) خطاب به ابن عباس حکومت را از نعلین خود پست‌تر معرفی می‌کند، مگر این‌که با ابزار حکومت بتواند حقی را به پا داشته و مانع باطلی شود.» سوگند به

1- محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، محقق صبحی صالح، ص ۸۲.

2- همان، ص 76.

خدا این نعلین از فرمان‌روایی بر شما نزد من محبوب‌تر است، مگر آن‌که حقی را به پای دارم یا باطلی را دفع کنم.»

در سخن بلند دیگری فرمود:

«وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَأَ حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ
التَّائِصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يَقَارُوا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ وَ لَأَ سَعَبَ مَظْلُومٍ لَأَتَّقِيَتْ
حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيهَا وَ لَأَتَّقِيَتْمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَرْهَدَ عِنْدِي
مِنْ عَفْطَةِ عَنزٍ.»^۱

«به خدایی که دانه را شکافت و انسان را به وجود آورد، اگر حضور حاضر و تمام بودن حجت بر من به خاطر وجود یاور نبود و اگر نبود عهدی که خداوند از دانشمندان گرفته که در برابر شکم بارگی هیچ ستمگر و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت نمایند، افسار شتر حکومت را بر کوهانش می‌انداختم، و پایان خلافت را با پیمان‌ه خالی اولش سیراب می‌کردم، آن وقت می‌دیدید که ارزش دنیای شما نزد من از اخلاط دماغ بز کمتر است.»

امام علی (ع) در حکومت داری به گونه‌ای عمل کرد که به‌راستی ترسیم عملی حاکمیت و سیاست اسلامی را متجلی ساخت. حاکمیتی که از ریاکاری، فریب و نیرنگ به دور بوده و از محور حق و عدل به قدر یک سر موپی منحرف نگشت.

«وَ اللَّهُ لَأَنَّ آيَةَ عَلَى حَسَكِ السَّعْدَانِ مُسَهَّدًا أَوْ أُجْرَ فِي الْأَغْصَالِ مُصَفَّدًا
أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمًا لِبَعْضِ الْعِبَادِ وَ غَاصِبًا لَشَيْءٍ
مِنَ الْحُطَامِ وَ كَيْفَ أَظْلَمَ أَحَدًا لِنَفْسٍ يُسْرِعُ إِلَيَّ الْبَلَى قُفُولُهَا وَ يَطْوُلُ فِي الثَّرَى
حُلُولُهَا.»^۲

«سوگند به خدا، اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان به سر ببرم و یا با غل و زنجیر به این سو یا آن سو کشیده شوم، خوش‌تر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت، در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم، و چیزی از اموال عمومی را

1- همان، ص 50.

2- همان، ص 346.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

غصب کرده باشم. چگونه بر کسی ستم کنم برای نفس خویش، که به سوی کهنگی و

پوسیده شدن پیش می‌رود، و در خاک، زمانی طولانی اقامت می‌کند؟»

«به خدا اگر جهان را با هر آنچه در آن است به من بدهند، که با گرفتن پاره‌ای

جو، از دهان موری، خدا را معصیت کنم، بدین خطا تن در نخواهم داد.»^۱

امام علی(ع) حکومت دینی را در قالب فرآیندی می‌دانند که، حکومت و نظام سیاسی وسیله‌ای برای اجرای عدالت، احیای ارزش‌های الهی و پاسداری از کرامت انسانی باشد. از نظر امام علی(ع) حکومت، آن زمان دارای ارزش است که شخص حاکم و زمام‌دار به کمک این ابزار سیاسی بتواند، احقاق حقی کرده و یا از باطلی جلوگیری نماید و کرامت انسانی را که در طول قرون و اعصار به وسیله قدرت‌مندان و ظالمان از بین رفته، به جوامع انسانی بازگرداند

2- تمهیدات نظری

مهم‌ترین دغدغه هر حکومت و نظام سیاسی، دستیابی به ثبات و پایداری است. ثبات سیاسی حکومت عبارت است: از این که ماهیت نظام سیاسی علی‌رغم وجود برخی نوسان‌ها و گذر از بحران‌های مختلف، ثابت و پایدار باقی بماند. رهبران و مسئولان سیاسی در همه‌ی کشورها گرایش دارند که نظام سیاسی شان را با گذشت زمان، جاودانه سازند. از سوی دیگر، هر نظام سیاسی پویا در تعامل با محیط داخلی و خارجی خویش، به ناچار درگیر تنش‌ها و بحران‌هایی می‌شود که اگر نتواند آنها را مدیریت نماید نظام سیاسی دچار بی‌ثباتی شده و امنیت آن به شدت در معرض تهدید قرار می‌گیرد. بی‌ثباتی سیاسی وضعیت و حالتی منبث از تکرار وقایع و حوادثی خاص است که تداوم و پایداری یک حکومت یا دولت را مورد تهدید قرار داده یا به چالش می‌خواند. به طور قطع در ممانعت از بروز هر پدیده ناخوشایندی، پیشگیری از اهمیت زیادی برخوردار است. در زمینه بی‌ثباتی نظام سیاسی نیز این امر صدق می‌کند. بر این اساس، با بررسی و شناخت متغیرهای موثر بر بی‌ثباتی نظام سیاسی می‌توان تا حد زیادی در کنترل و مدیریت آنها نقش آفرینی کرد.

این رساله تلاش دارد، با بیان تمهیدات نظری و ارائه مستندات نظری در باره ناپایداری و پایداری، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ثبات و بی‌ثباتی را قبل از ورود به نظریه‌های سیاسی امام علی(ع) در رابطه با عوامل و شاخص‌های پایداری و ناپایداری حکومت دینی، برای بیان و ترسیم چارچوب نظری خود در قالب سه دسته از متغیرها تأثیر گذار، تحت عناوین امت اسلامی، ارزش‌های دینی و دولت اسلامی اشاره داشته و چارچوب نظری برگرفته از اندیشه‌های سیاسی امام علی(ع) را با توجه به لایه سوم یعنی «دولت و نظام» در قالب دو چرخه عوامل ثبات و بی‌ثباتی سیاسی، برای تطبیق عوامل پایداری و ناپایداری بر نظام جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و استفاده قرار دهد.

درباره ثبات و بی‌ثباتی جوامع و حکومت‌ها شاید افلاطون و ارسطو از اولین کسانی باشند که در مورد آن نظر داده‌اند. افلاطون بر این باور بود که علت اساسی بی‌ثباتی در جوامع کمبود منابع مطلوب مانند قدرت، ثروت و فضیلت می‌باشد. جدال‌ها و منازعه‌های که میان انسان و گروه‌ها به وجود می‌آید به خاطر قدرت، ثروت و فضیلت می‌باشد. به نظر وی زمانی که کمبود منابع با تجمل پرستی و تضاد در طبقه حاکم همراه باشد، جامعه به سمت بی‌ثباتی حرکت خواهد شد.^۱ ارسطو اما عامل اصلی بی‌ثباتی را در نابرابری می‌دانست. وی بیان می‌داشت که انسان‌ها برای برابری یا برتری تلاش می‌نمایند. کسانی که از دیگران فروترند، خواهان برابری با ایشانند و آنان که با دیگران برابرند، در جست و جوی برتری هستند و از اینجا است که منازعه و بی‌ثباتی در جامعه بوجود می‌آید.^۲

اندیشمندان قرن نوزده مانند کارل مارکس، دلیل اصلی بی‌ثباتی را مالکیت خصوصی و اختلاف منافع مادی میان طبقات اجتماعی می‌دانست. هدف اساسی منازعه در جامعه را تصرف منابع قدرت و وسایل تولید می‌دانست. تا زمانی که وسایل تولید همگانی نشود و دولت از میان نرود منازعه در جامعه وجود دارد.^۳ نظریه پردازان جدید چون چالمرز جانسون که در چارچوب نظریه کارکردگرایی نظریه پردازی کرده است، علت اصلی منازعه و بی‌ثباتی را در ناهماهنگی

1- ر، ک، افلاطون، جمهوری، صص 38 و 258.

2- ر، ک، ارسطو، اخلاق نیکو ماخوس، صص 76 و 196.

3- ر، ک، مصطفی ملکوتیان، نظریه‌های انقلاب و انقلاب اسلامی، حدیث انقلاب، صص 415-463.

میان ارزش‌ها و محیط می‌داند.¹ ارزش‌ها مجموعه باورها و اعتقادات است که در یک جامعه وجود دارد و این ارزش‌ها برای تداوم خود به یک محیط نیازمند است و محیط در حقیقت نهادهای مختلف در یک جامعه می‌باشد. هماهنگی میان ارزش‌ها و نهادها باعث به وجود آمدن ثبات می‌شود اما زمانی که هماهنگی وجود نداشته باشد بی‌ثباتی به وجود می‌آید که هم ارزش‌ها به حالت تعلیق در می‌آید و هم نهادها کارکرد خود را از دست می‌دهد.

در کتاب منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، امیر، عظیمی دولت‌آبادی، بی‌ثباتی سیاسی را معلول عوامل مختلفی دانسته‌اند، که از آن میان به منازعه سیاسی و رقابت سیاسی و مهمتر از همه به منازعه نخبگان سیاسی که نقش مهمی را در ثبات و بی‌ثباتی سیاسی دارند اشاره می‌کند. به این معنا که نظام سیاسی بیش از هر چیز نیازمند ثبات و آرامش سیاسی است تا به دور از هر گونه تهدید و در کمال اقتدار به اهداف خود نایل آید. تحقق چنین وضعیتی تا حدی مستلزم یگانگی فکری و عقیدتی میان نخبگان سیاسی است. در اغلب نظام‌های سیاسی، مجموعه‌ی یکدستی از اندیشه‌ها و افکاری که همه‌ی نخبگان سیاسی به آن پایبند باشند، وجود ندارد؛ در عین حال تضارب و اختلاف آرای نخبگان سیاسی امری محترم و در بسیاری از موارد ضروری می‌باشد. اما زمانی که این اختلاف آرا به صورت منازعه و دعوای سیاسی در آید، بی‌ثباتی سیاسی و ناپایداری را در پی خواهد داشت، که حتی در مواردی به عنوان تهدیدی جدی علیه نظام سیاسی محسوب می‌شود. نظام سیاسی جمهوری اسلامی نیز همانند هر نظام سیاسی دیگر شاهد منازعاتی بوده است، اما منازعات سیاسی نخبگان در حدی نبوده که موجب بی‌ثباتی نظام گردد.

بررسی مقاطع مختلف زمانی در این دوره نشان می‌دهد هر زمانی که منازعه‌ی سیاسی میان نخبگان حکومتی افزایش یافته، به دنبال آن ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی سیاسی نیز شدت گرفته است. شکل‌گیری جریان دوم خرداد 1376 به عنوان یکی از این مقاطع حساس که منازعات سیاسی نخبگان بالا گرفت، هر چند گسترش تضارب آرا و عقاید و نیز مشارکت سیاسی بالا را به همراه داشت، اما نسبت به دوران پیش از خود به میزان بسیار زیادی بی‌ثباتی و ناآرامی سیاسی را به وجود آورد. در نگاه نویسنده کتاب، بی‌ثباتی سیاسی و رقابت سیاسی از

1- ر، ک، چالمز چانسون، تحول انقلابی، ترجمه حمید الیاسی، صص 251-232.

جمله مهم‌ترین مفاهیمی هستند که از جایگاه خاصی در حوزه‌ی مباحث سیاسی دارند و بی‌ثباتی سیاسی نتیجه‌ی مجموعه عوامل مختلفی است که در میان آنها منازعه‌ی نخبگان سیاسی، نقش مهمی را ایفا می‌کند. بر این اساس، بررسی تأثیر منازعه‌ی نخبگان بر بی‌ثباتی سیاسی مخصوصاً در دوره‌ی بعد از خرداد 1376، که سرآغاز فصل جدیدی از حیات سیاسی ایران بود، موضوعی است که در این کتاب مورد توجه قرار گرفته و تلاش شده است تا ضمن تعریف این مفاهیم از داده‌های آماری نیز برای نتیجه‌گیری منطقی‌تر استفاده شود.

این کتاب که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است، در چهار بخش سامان یافته است، ایشان در بخش سوم به بحث «منازعات نخبگان سیاسی در ایران» و بخش چهارم به «ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» پرداخته است. در فرضیه اصلی تحقیق چنین بیان شده است که، منازعات نخبگان سیاسی در ایران پس از دوم خرداد 1376 به تقویت برخی مؤلفه‌های ثبات سیاسی و تضعیف برخی دیگر گشته... فرضیه رقیب نتیجه منازعات نخبگان سیاسی دوره آقای خاتمی را ثبات یافتن نظام تلقی کرده و فرضیه فرعی نیز به افزایش بی‌ثباتی سیاسی در دوره آقای خاتمی نسبت به دوره‌های دیگر اشاره داشته که دلیل آن هم منازعات سیاسی دوره مذکور بوده است. نویسنده در فصل اول بخش دوم با عنوان «نخبگان سیاسی و منازعه میان آنها»، دو مفهوم «نخبگان سیاسی» و «منازعه» را مورد بررسی قرار داده و دیدگاه‌های مختلف را در خصوص این دو مفهوم بیان کرده است.

وی چهار رویکرد مهم را در زمینه نخبگان؛ سازمانی، روانشناختی، اقتصادی و نهادی نام برده و پس از توضیح واژه منازعه و منازعه سیاسی و بیان معانی مختلف آنها، شش شاخص را برای منازعه سیاسی در ایران در نظر گرفته است. شاخص‌های مذکور عبارتند از: استیضاح، رد صلاحیت، رای عدم اعتماد، توقیف نشریات (جناحی)، سئوال‌ات ارجاعی به کمیسیون‌های مجلس و پرخاشگری غیر معمول. نویسنده کتاب در ادامه، رویکردهای نظری مختلفی را که در ارتباط با تعیین عوامل مؤثر بر ناپایداری و بی‌ثباتی سیاسی را، مورد توجه قرار داده و سه رویکرد نارضایتی اقتصادی - اجتماعی (محرومیت نسبی)، فرصت سیاسی (بسیج منابع)، و وابستگی/ نظام جهانی را مورد بررسی قرار داده است تا در نهایت از تلفیق آنها چارچوب نظری مناسبی برای تحقیق خود ارائه دهد. او بدین منظور به چارچوب تبیینی کتاب «رقابت سیاسی و ثبات

سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» متوسل شده و الگوی آن را که نشان دهنده تأثیر رقابت سیاسی بر ثبات سیاسی می‌باشد، برای تحقیق خود برگزیده است.

نویسنده در بخش سوم کتاب با قرار دادن دو فصل، در فصل اول با عنوان «منازعات نخبگان سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی با تأکید بر دوره‌ی بعد از دوم خرداد 76»، روند افزایش احزاب، گروه‌ها و دسته‌جات سیاسی در دوره آقای خاتمی مورد بررسی قرار گرفته و در فصل دوم که «شکل‌گیری منازعه بین نخبگان سیاسی» عنوان گرفته است، پس از توصیف رقابت انتخاباتی آستانه دوم خرداد، وضعیت شاخص‌های منازعه نخبگان سیاسی پس از دوم خرداد که پیش‌تر بیان شده‌را، توصیف و بررسی کرده است.

در بخش چهارم کتاب؛ «ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، به ترتیب به بررسی ثبات سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی، ثبات سیاسی در دوران دولت هاشمی رفسنجانی، ثبات سیاسی در دوران دولت سید محمد خاتمی و وقایع مهم دوران دولت سید محمد خاتمی توصیف و تحلیل نموده و در نتیجه، خشونت، ترور، ناآرامی و وقایعی از این دست به عنوان مشخص‌کننده بی‌ثباتی در این دوره بیان شده است. به هر روی نویسنده کتاب «منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران». مسأله و مشکل خود را از نگاه «رهبران و مسئولان سیاسی»، بیان و به تمایل آنها برای جاودانه سازی نظام سیاسی اشاره کرده است و در نهایت منازعه سیاسی را به عنوان یکی از مقولات مؤثر بر بی‌ثباتی سیاسی برگزیده است تا در ادامه پژوهش، اثر آن را بر بی‌ثباتی سیاسی بسنجد.^۱ «به عبارت دیگر با توجه به افزایش منازعات نخبگان سیاسی در این دوره، نرخ بی‌ثباتی سیاسی نسبت به قبل افزایش یافته است» همان‌گونه که اشاره شد، این کتاب در صدد بررسی تأثیر «منازعه سیاسی» بر «بی‌ثباتی سیاسی» در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و نویسنده کتاب، صرفاً به الگوی به کار رفته در کتاب «رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» اشاره کرده و پس از اظهار بی‌اطلاعی از منظور از این الگو، بحث نظری خود را خاتمه داده است.^۲ ایشان در این کتاب بیشتر به درگیری‌های فکری و خطوط سیاسی پرداخته است، نگارنده در

1- عظیمی دولت‌آبادی، منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، ص 21.

2- همان، صص 96 و 98.

این کتاب با نگاه به شرایط جمهوری اسلامی ایران، در پی آن است تا بنای یک چارچوب نظری بومی را بگذارد.

از دیگر نویسندگان در عرصه مسائل سیاسی که به بررسی عوامل ثبات و بی‌ثباتی پرداخته است، دیوید ساندرز، در کتاب الگوهای بی‌ثباتی سیاسی می‌باشد، بطوری که می‌توان به عنوان تمهیدات نظری درباره عوامل ثبات و بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی از آن استفاده نمود، اگرچه از دیدگاه ساندرز، شناخت ثبات و ارائه دیدگاهی واقع‌گرا در جهت دستیابی به وضعیت با ثبات مستلزم شناخت ریشه‌ها، عوامل و پیامدهای بی‌ثباتی است؛ با این وجود تجویز راهبردی واحد و جامع برای همه جوامع - و حتی برای یک جامعه در دوره‌های مختلف تلاشی بی‌سرانجام و گمراه کننده است؛ چرا که بی‌ثباتی دارای الگوهای متعدد و متفاوت می‌باشد. کتاب الگوی بی‌ثباتی سیاسی، از دو بعد نظری و عملی ثبات و بی‌ثباتی را در جوامع سیاسی گوناگون با رویکردی اثباتی و تطبیقی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد و پس از سنجش و آزمون داده‌ها و فریضه‌ها در سطوح مختلف، چهار الگوی احتمالی را به نقد کشیده و در پی تبیین این موضوع اساسی بر آمده است.

درباره الگوی بی‌ثباتی سیاسی، ساندرز دو نکته قابل ذکر است: اول اینکه؛ منظور از حکومت (مندرج در تعریف) مقامات سیاسی است؛ یعنی تصمیم‌گیرندگان اصلی که سیاست‌ها را در مقطع زمانی خاصی تعیین می‌کنند؛ منظور از رژیم قواعد حقوقی رسمی و غیررسمی است که حاکم بر حل مناقشات درون نظام است، و منظور از جامعه سیاسی آن بخش از نظام سیاسی است که به صورت گروهی از افراد بر پایه تقسیم کار سیاسی مرتبط هستند.^۱ درک تغییر رژیم و حکومت چندان مشکل نیست و جامعه سیاسی نیز فقط موقعی تغییر می‌کند که مرزهای جغرافیایی تغییر نماید. نکته دوم اینکه؛ سنجش میزان انحرافی (یا تغییری) که در الگوی نظام نسبت به الگوی سابق پیش می‌آید با توجه به الگوهای فضایی و الگوهای زمانی ممکن است. مفهوم الگوی فضایی بر پایه این فرض استوار است که در هر کشور خاص، در برابر هر تغییر یا چالش معینی یک الگوی رایج یا «هنجار» کنش و واکنش سیاسی وجود دارد.^۲ و

1- همان، صص 119-120.

2- همان، ص 144.

الگوی زمانی به این معناست که حتی در یک نظام خاص، «الگوی متعارف» در طول زمان متفاوت است.^۱ هر سه شاخص تغییر رژیم، (تغییر در وضعیت، تغییر در هنجارهای رژیم (هنجارهای اعمال قدرت)، نظامی، غیرنظامی، تغییر در نوع نظام حزبی)، حکومت (تغییر در مقامات اصلی اجرایی - تعدیل‌ها در قوه مجریه) و جامعه سیاسی (که در قالب: الف) چالش‌های خشونت‌آمیز، مثل - حملات چریکی - مرگ در اثر خشونت سیاسی - شورش - ترور، اقدامات جنگ تروریستی و تروریسم سیاسی - کودتاهای انجام شده - انتقال نامنظم یا ناموفق قدرت؛ ب) چالش‌های مسالمت‌آمیز، مثل - اعتصابات سیاسی یا تهدید به اعتصاب - تظاهرات اعتراض‌آمیز - حرکت انتقادی مخالفین - سخنرانی‌های ضد حکومتی توسط رهبران فکری) می‌توانند به طور نسبی نمایانگر ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی باشد.

مطابق مدل و الگوی بی‌ثباتی سیاسی ساندرز، واضح است که به هر میزان انجام رقابت سیاسی افزایش یابد بر میزان بی‌ثباتی سیاسی افزوده شده و از میزان ثبات سیاسی کاسته شده است. این افزایش می‌تواند در تبدیل وضعیت غیرنظامی به نظامی، تغییر از نظام چند حزبی به یک حزب مسلط یا دو حزبی به تک حزبی یا بدون حزب، تشکل و جناح یا جبهه سیاسی و تغییر هنجارهای اعمال قدرت از دخالت دادن مشارکت سیاسی بالا در حکومت به مسدود نمودن طرق مشارکت، از میزان بی‌ثباتی سیاسی کاسته و بر میزان ثبات سیاسی نظام بیافزاید. به این ترتیب با توجه به تأثیر مستقیمی که رقابت سیاسی بر ارتقاء یا کاهش شاخص‌های پیش گفته دارد می‌توان چارچوب تحلیلی مورد نظر ایشان را درباره عوامل ثبات و بی‌ثباتی در سه لایه تغییر رژیم، تغییر حکومت و جامعه شناسی مورد توجه قرار داده.

در رساله پژوهشی حاضر، به دنبال بررسی عوامل پایداری و ناپایداری با توجه به سه لایه امت اسلامی، ارزش‌ها و نظام می‌باشیم. و این عوامل را با نگرش دینی و با توجه به سیره سیاسی امام علی (ع) درباره دولت اسلامی (لایه سوم) در قالب دو چرخه ثبات و بی‌ثباتی بررسی و تحلیل می‌کنیم.

نظریه پرداز دیگری که از زوایه ثبات و بی‌ثباتی به تحلیل پدیده‌های سیاسی و اجتماعی پرداخته است. دکتر عبدالمحمود محمدی لرد، نویسنده کتاب آینده پژوهی ثبات سیاسی در

ایران است. ایشان، علت اصلی انتخاب این موضوع را، حوادث بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ عنوان می‌کند. وی، رویکرد آینده پژوهی اکتشافی را برای پژوهش خود برگزید و اضافه کرد که سعی کرده است از رویکرد آینده پژوهی هنجاری که ذهن‌گرا، مبتنی بر خلاقیت و با ملاحظه شگفتی سازهاست، استفاده نکند تا نتایج پژوهش عینی و مبتنی بر شواهد باشد.

نویسنده کتاب، عوامل و شاخص‌های هفت گانه زیر را، در یک مدل جهانی با مقایسه ۱۸۳ کشور جهان به عنوان عوامل اصلی ثبات و بی‌ثباتی سیاسی مورد بررسی قرار داد است: 1) کنترل مفاسد اقتصادی؛ 2) کارآمدی دولت (توسعه‌ی اجتماعی، آموزشی و بهداشتی)؛ 3) حاکمیت قانون؛ 4) جهانی شدن (میزان ادغام کشور در اقتصاد و اجتماع جهانی)؛ 5؛ سودمندی اقتصادی (رشد اقتصادی با سرعت متوسط)؛ 6) فرهنگ سیاسی دموکراتیک (تساهل و مدارا، انتقال مسالمت آمیز قدرت)؛ 7) وفاق نخبگان سیاسی در خصوص اهداف نظام و روش‌های دستیابی به اهداف.

مؤلف کتاب، در باب بررسی عوامل ثبات و بی‌ثباتی، اذعان دارد که، برای ارزیابی کیفی وضعیت ایران در هفت عامل مذکور، رتبه ایران در بین ۲۶ کشور منطقه که رقبای ایران در چشم انداز ۲۰ ساله هستند، بهترین رتبه ایران مربوط در خلال سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ مربوط به عامل حاکمیت قانون با رتبه ۹ و بدترین وضعیت مربوط به عامل وفاق نخبگان سیاسی با رتبه ۲۱ بوده است. بر این اساس شرایط ساختاری برای وقوع بی‌ثباتی در سنوات فوق برقرار بوده است. وی برای اطمینان از این نتیجه کار خویش، نتایج پژوهش را به ۱۲ نفر از خبرگان دانشگاهی تهران ارائه کرده و به کمک روش دلفی در دو دور تأیید خبرگان را اخذ کرده است.

همچنین متغیرهای کیفی دیگری که خبرگان به عنوان عوامل و شاخص‌های ثبات سیاسی مطرح کردند عبارتند از: 1) شکاف‌های قومی - مذهبی؛ 2) تشدید تحریم‌ها یا حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای؛ 3) تحقق اهداف قانون پنج ساله پنجم توسعه؛ 4) پیشرفت بر اساس الگوی اسلامی - ایرانی؛ 5) ظهور گفتمان سیاسی ثبات بخش؛ 6) جابجایی در رأس هرم قدرت. در پایان نویسنده به کمک سامانه شبیه سازی وضعیت ثبات سیاسی کشور در سال ۱۴۰۴ را ترسیم کرد. بر این اساس رتبه ثبات سیاسی ایران در سال ۱۴۰۴ در منطقه ۱۳ از

بیست و در سطح جهان ۱۳۱ از ۱۸۳ خواهد بود و بر این اساس اگر در نظام جمهوری اسلامی ایران به عوامل و شاخص‌های مورد اشاره توجه نگردد، این کشور در مجموعه کشورهای بی‌ثبات قرار خواهد داشت.

البته اشکالات این کتاب را می‌توان در مواردی جستجو نمود: 1) نویسنده کتاب، برداشت‌هایی ساده، غیر کارشناسی شده و بدون سند، از مقوله‌های ثبات و بی‌ثباتی سیاسی ارائه می‌دهد؛ 2) بیشتر مطالب کتاب به نوعی، اتکاء به مبانی مفهومی، شاخص‌ها و مدل تحلیلی دیوید ساندروز در موضوع بی‌ثباتی دارد و طبعاً بسیاری از عوامل و شاخص‌ها و الگوهای متأخر بی‌ثباتی مخصوصاً در حکومت‌های دینی را بر نمی‌گیرد؛ 3) نویسنده به ملزومات مفهومی، نظری مدل و الگوی مبتنی بر رویکرد کثرت‌گرایانه، توجه کافی نکرده است؛ 4) هدف اصلی روش‌شناسی کتاب، گسترش ادبیات آینده‌پژوهی می‌باشد، زیرا، بیشتر توضیحات ارائه شده توسط نویسنده کتاب، در این موضوع بلا استفاده مانده است.

از دیگر مستندات مرتبط با موضوع رساله که به عنوان تمهیدات نظری می‌توان از آن استفاده نمود، کتاب اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی، دیوید ای. اپتر و چارلز اف. اندی پین می‌باشد، که به نوعی به بررسی عوامل بی‌ثباتی در قالب اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی با توجه به مؤلفه‌های، مشارکت انسانی، ایدئولوژی و باورهای فرهنگی پرداخته است.

نویسنده کتاب با بیان این موضوع که، مشارکت انسانی وضعیت حاکم بر نظام اجتماعی ما و سیاست‌های مرتبط با آن وضعیت پارادوکسیکالی را به نمایش می‌گذارد، از یک طرف نظام سیاسی حاکم در صدد جلب مشارکت مردم در جریانات لحظه‌ای (دارای نتایج دراز مدت) مانند انتخابات و تأیید نظام است، در حالی که مشارکت مردم در نهادهای اجتماعی دراز مدت خارج از کنترل دولت چندان مورد استقبال نظام رسمی قرار نمی‌گیرد. از طرف دیگر میزان مشارکت و ترکیب مشارکت‌کنندگان در فعالیت‌های مختلف اجتماعی دارای توزیع ناموزون و ناهماهنگی در بخش‌های مختلف کشور است. به این معنی که در مناطق نسبتاً مرفه میزان مشارکت پایین بوده و مشارکت‌کنندگان از آگاهی بیشتر و اهداف روشن‌تری برخوردارند، در حالی که در مناطق نسبتاً فقیر میزان مشارکت بالا بوده و میزان آگاهی سیاسی نیز پایین است، طرح رویکردهای نظری مربوط به مشارکت اجتماعی می‌تواند در گستره وسیعی از دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه قرار گیرد، معیارهایی که در طبقه بندی برداشت‌های نظری مذکور می‌تواند

مورد توجه قرار گیرد، متعدد و قابل توجه هستند به گونه‌ای که عدم توجه به هر کدام امکان دارد نوعی نقص برای بحث نظری در زمینه مشارکت اجتماعی تلقی شود.

در این زمینه می‌توان از معیارهایی مانند موضوع مشارکت (با امری که مشارکت برای آن صورت می‌گیرد)، زمینه مشارکت، شدت مشارکت، عوامل مشارکت، شرایط مشارکت و... صحبت کرد. از طرف دیگر طرح این مسأله که مشارکت برای چه یا در چه امری صورت می‌گیرد، برای نظریه پردازان وفاق و تضاد در جامعه شناسی می‌تواند حوزه‌های متفاوتی از مشارکت اجتماعی را مهم جلوه دهد و تفاسیر متفاوتی را برانگیزد. اپتر و اندی پین در کتاب اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی برای بررسی اعتراض سیاسی به سه سطح و لایه توجه می‌کنند: 1) باورهای فرهنگی؛ 2) ساختار؛ 3) رفتار.

آنان به مشارکت سیاسی از این جهت توجه دارند که زمینه‌ای برای بررسی رأی اعتراضی فراهم می‌سازد. به اعتقاد اپتر و پین «دو رویکرد وجود دارد که می‌کوشد تا کارآمدترین چارچوب را برای تبیین انگیزه مردم برای رأی دادن یا رأی ندادن و انگیزه افراد در انتخاب یک حزب سیاسی از میان احزاب دیگر ارائه دهد. رویکرد نئوکلاسیک «انتخاب عمومی» (Neoclassical Public choice approach) که آنتونی بونز، جیمز بوچانان، گوردون تولاک، ویلیام ریکر، پیتز اوردشاک و دنیس مولر آن را بسط داده‌اند، بر این پندار است که انگیزه افراد برای رأی دادن عمدتاً برگرفته از منافع شخصی آنان است. افراد به دنبال کسب امتیازات شخصی از سیاست‌های دولت هستند و نامزدها و احزابی را انتخاب می‌کنند که امتیازات و منافع ملموس آنان را محقق می‌سازد. رویکرد مقابل، رویکرد «انتخاب منطقی ساختارگرا» است که بر مفاهیم جامعه‌شناختی از قبیل ارزش‌ها، هنجارها و ساختارها برای تبیین رفتار رأی دهی تکیه می‌کند. این رویکرد را جرج هومانس (جرج هومنز)، میشل هچر، کارل دیتز اوپ، اولدون ویلدافسکی، دنیس چونگ و دانیل لیتل ارائه کرده‌اند. در این رویکرد این گونه پنداشته می‌شود که اعتقادات فرهنگی (ارزش‌ها و هنجارها) و ساختارهای اجتماعی - سیاسی بر نیات رأی دهندگان تأثیر می‌گذارند.¹ از نظر اپتر و پین، رویکرد نئوکلاسیک سه فرض درباره رفتار انتخاباتی دارد: 1) فرد را اصلی‌ترین واحد تجزیه و تحلیل می‌داند؛ 2) افراد در حیات

1- اپتر و پین، اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی، ص ۳۹۰.

سیاسی منطقی عمل می کنند. تصمیمات آنان با دور اندیشی، حسابگری، منفعت جویی و تدبیر همراه است.^۱

اپتر و پین، راهکارهایی که برای جلوگیری از بی ثباتی عمومی و سیاسی مردم بکار برده اند، عبارتند از: 1) تبیین مبانی ایدئولوژیکی و گسترش باورهای فرهنگی در جامعه؛ 2) اطلاع رسانی و بالا بردن سطح آگاهی مردم؛ 3) جلوگیری از تسلط گروه های ذی نفوذ. با جلوگیری از تسلط گروه های انحصار طلب بر ارکان سیاسی و اقتصادی جامعه و حفظ عدالت اجتماعی می توان انگیزه تمایل عموم مردم را به مشارکت در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تقویت نمود؛ 4) فرهنگ سازی: فرهنگ از مهم ترین متغیرهای مشارکت سیاسی و اجتماعی است. مشارکت افراد در جامعه ای که دارای فرهنگ سیاسی مشارکتی است، گسترده است؛ 5) برانگیختن اعتماد عمومی: برای نهادینه شدن رفتار سیاسی، تحول باورها و تغییر ذهنیت مردم و برانگیختن حساسیت سیاسی مقدمه اصلی است؛ 6) فقر زدایی: عدالت اجتماعی و اقتصادی و فقر زدایی، محورهای مهمی هستند که در گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی نقش تعیین کننده ای دارد؛ 7) رسانه های جمعی و زمینه سازی آنها.

رسانه ها نوعی حلقه ربط در جامعه هستند که در دنیای امروزی نقش بسیار مهمی را ایفا می کنند. یکی از کارکردهای رسانه ها ایجاد همبستگی اجتماعی و تأثیر در مشارکت عمومی جامعه است. معترضان امروزی، به قدرت فن آوری های رسانه های همگانی واقف هستند و بر خلاف معترضان پیش از قرن بیستم، از فرصت های بیشتری برای انتقال پیام سیاسی خود برخوردارند. زیرا پیش از سال ۱۹۰۰، غالب رسانه های داخلی عمدتاً محلی، شفاهی، غیررسمی و شخصی بودند و حامیان متنفس، بر شبکه های ارتباطی محلی مسلط بودند، اما امروزه رسانه های همگانی عمدتاً سراسری، شهری، مکتوب، رسمی و غیر شخصی هستند. به نحوی که مقامات معترض برای انتقال ناراضی های خود به رادیو، تلویزیون، ضبط صوت، ویدئو کاست، نمابر و پست الکترونیکی متکی هستند. این رسانه های مدرن به معترضان امکان می دهد تا مشکلات سیاسی اساسی را مشخص کنند، هویت های فرهنگی را باز تعریف نمایند، اطلاعات

تاکتیکی را انتقال دهند و پیوندهای شخصی با معترضان را علاوه بر کشور خود، در سراسر جهان نیز استحکام بخشند.¹

در مجموع از نظر اپتر، چنانچه یک نظام سیاسی خواهان ثبات، توانمندی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی باشد، چاره‌ای جز جلب مشارکت آگاهانه، فعالانه و متشکل توده مردم در فرآیند حاکمیت نخواهد داشت. مردم در یک نظام سیاسی نوین بیشتر در فرآیندهای تصمیم‌گیری‌ها درگیر هستند و حاکمیت‌ها در اینگونه کشورها از ثبات و امنیت داخلی و خارجی بیشتری برخوردارند. چرا که ثبات یک نظام سیاسی به کاهش تعارض‌های درونی جامعه بستگی تام دارد.

نویسنده دیگری که از این منظر به بررسی عوامل ثبات سیاسی پرداخته است، اصغر افتخاری در مقاله: رسانه، نظارت، امنیت: تحلیل جامعه‌شناسانه عملکرد نظارتی مطبوعاتی در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. نویسنده در این مقاله ضمن بیان این مفروض که رسانه‌ها با اعمال کارکرد نظارتی خود می‌توانند، تأثیرات امنیتی مثبت یا منفی‌ای بر روی ثبات سیاسی کشور بگذارند، به تحلیل دو دهه از حکومت جمهوری اسلامی در ایران می‌پردازد.

مؤلف با تفکیک سه دوره تثبیت، سازندگی و توسعه سیاسی از هم، الگوهای قبض محور، یکسویه و بسط محور را، الگوهایی تحلیلی برای رابطه بین نظارت و ثبات، معرفی می‌نماید. مؤلف جهت تأیید فرضیه خود ضمن ارائه تعریف و فرمولی برای ثبات سیاسی، به تحلیل شرایط جاری در قالب فرمول پیشنهادی همت گمارده و در پایان راهبردهایی را جهت احتراز از بروز بی‌ثباتی در امنیت ملی کشور به واسطه عملکرد مطبوعات ارائه می‌دهند. که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد.

1- نظارت رسانه‌ای که در عصر توسعه سیاسی بدان تأکید می‌گردد، چنانچه صرفاً به تغییر عامل «خواست‌های شهروندی» (در معادله ثبات سیاسی) معطوف بشود و از عوامل دیگر غفلت ورزد، نوعی کار ویژه امنیتی منفی را به دنبال خواهد داشت و با رشد فزاینده خواست‌های شهروندی در مقابل سقوط کارویژه‌های دولتی منجر به بروز شکاف و در نتیجه دامن زدن به فرآیندهای موجد بی‌ثباتی در نظام خواهد شد. بنابراین رسانه‌ها با توجه به سه

عامل اصلی در معادله (یعنی خواست‌ها، کارویژه‌ها و انسجام ایدئولوژیک) اعمال شود، در غیر این صورت، صرف افزایش خواست‌های شهروندی، آن هم بدون آن که راه حلی برای پاسخ گویی به آنها پیش بینی شود، به معنای ایجاد شکاف بین خواست‌ها و کارویژه‌ها خواهد بود و مقدمه ای برای بروز بی ثباتی می‌گردد.

2- اعمال نظارت رسانه‌ها باید دقیقاً با توجه به ضریب انسجام ایدئولوژیک جامعه ایران، صورت پذیرد. بدین معنی که اگر این انسجام در روند بررسی‌های انتقادی یا گذار به الگوی تازه، لطمه ببیند؛ در مجموع ثبات سیاسی جامعه - حتی اگر هم فعالیت مؤثر دولت افزایش یابد - باز هم دچار افت شده و در مجموع منفی ارزیابی می‌گردد. علت تأکید بر عامل انسجام ایدئولوژیک، بیشتر از آن رو می‌باشد که جامعه ما به دنبال تحولات دوم خرداد در حال انتقال از یک الگوی ثبات سیاسی به الگوی تازه ای می‌باشد و مقتضای این تحول تجربه نمودن دوران گذاری است که اگر انسجام ایدئولوژیک نتواند در آن ایفاگر نقشی مؤثر باشد، طبیعتاً نتیجه این فرآیند مطابق خواست دولت و ملت هم نخواهد بود.

نتیجه اینکه در این مقاله، نویسندگان جهت نشان دادن تأثیرات ناشی از اعمال حق نظارت رسانه‌ها بر ثبات سیاسی کشور، به تحلیل مفهومی و تئوریک دو مقوله «ثبات سیاسی» و «نظارت» پرداخته، ضمن تحلیل ثبات سیاسی به وجود توازن بین خواست‌های شهروندی و کارویژه‌های دولتی در بستر زمان، اشکال مختلف آن را از یکدیگر جدا ساخته.

مطابق تحلیل ایشان، مطبوعات از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز سه الگوی متفاوت از ثبات سیاسی را تجربه نموده‌اند.¹ الگوهای قبض محور، یکسویه و بسط محور در سه دوره تثبیت، سازندگی و توسعه سیاسی در مجموع ضمن پاسداشت کلیت نظام، سه معنای متفاوت از نظارت رسانه‌ای را نیز مطرح ساخته‌اند. نکته مهمی که باید در این مقاله به آن توجه شود، رعایت اصول اصلاح اجتماعی است و اینکه نظارت همه جانبه باید با التزام به مبانی قانونی و شرعی صورت پذیرد تا بتواند حمایت مردمی را نیز به دنبال داشته باشد.

نظریه پرداز و اندیشمند دیگری که، از باب تمهیدات نظری برای بررسی و تبیین عوامل و شاخص‌های ثبات و بی‌ثباتی به جهت رسیدن به یک چارچوب بومی از نظرات امام علی(ع) بدان اشاره می‌شود، ساموئل هانتینگتون، نویسنده کتاب، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی می‌باشد. این کتاب در هفت فصل: «سامان سیاسی و تباهی سیاسی»، «نوسازی

سیاسی: آمریکا در برابر اروپا»، «دگرگونی سیاسی در جوامع سیاسی سنتی»، «پراتوریانیسم و تباهی سیاسی»، «انقلاب و سامان سیاسی»، «اصلاحات و دگرگونی اجتماعی» و «نوسازی و احزاب» تدوین شده.

هانتینگتون در کتاب خویش به دنبال نشان دادن چارچوب‌های لازم برای تحقق سامان و یا همان استواری سیاسی است.¹ وی در سراسر اثر خویش به دنبال نشان دادن مسیر فرایند نهادمند شدن مشارکت سیاسی در کشورهای در حال نوسازی است. مسأله وی استواری و ثبات جامعه و سیاست در جامعه دستخوش نوسازی می‌باشد. نویسنده کتاب، در فصل اول، نابسامانی سیاسی را ناشی از ظهور گروه‌های اجتماعی جدید در عرصه سیاست در نتیجه دگرگونی اجتماعی می‌داند. عدم وجود نهادهای سیاسی جهت سازماندهی خواست مشارکت سیاسی این گروه‌ها منجر به نابسامانی سیاسی در این کشورها می‌شود.

هانتینگتون معتقد است. «نوسازی جامعه مستلزم رشد و تکثر نیروهای اجتماعی است. در جوامع در حال نوسازی عدم وجود نهادهای سیاسی نوین در کنار واپس ماندن دولت از رشد جامعه، زمینه‌ی بروز بی‌ثباتی سیاسی از طریق کودتا و انقلاب را فراهم می‌سازد. وی با تأکید بر وجوه چندگانه نوسازی معنقد است نوسازی اجتماعی بدون اهتمام دولت به مشارکت و نوسازی سیاسی به بی‌ثباتی سیاسی منجر می‌شود. هانتینگتون خشونت را حاصل استعمار و ناهمگونی قومی می‌داند. همچنان که وی نوسازی و پیامدهای آن شامل خواست تحرک اجتماعی در عین فراهم نبودن امکان تحرک، نابرابری سیاسی و اقتصادی، فساد ناشی از پی‌گیری منافع فردی خارج از نهادهای سیاسی نهادمند را نیز پدید آور خشونت می‌داند. در نتیجه‌ی فراهم نبودن شرایط برای نیل به مظاهر زندگی بهتر، سرخوردگی اجتماعی تشدید و در نهایت خشونت و نابسامانی اجتماعی و سیاسی بروز می‌کند. با وقوع نوسازی شکاف شهر و روستا شدت می‌گیرد. شهر کانون نزاع بر سر قدرت سیاسی می‌شود. و تأثیر روستا به مثابه عامل تعیین کننده قدرت سیاسی، رو به افول می‌گذارد. این شکاف به مانعی بر سر یکپارچگی ملی تبدیل می‌شود. نحوه تعامل بین ناراضیان شهری و روستائینی که از زمینه‌ی مساعدی جهت مشارکت سیاسی - خیزش گران سبز - برخوردارند؛ درجه انقلابی شدن جامعه را تعیین

1- ساموئل هانتینگتون، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، صص 1-2.

می‌کند. اتحاد خیزش گران سبز با ناراضیان شهری به انقلاب و همراهی آنان با حاکمان به تثبیت سنت‌ها و استواری سیاسی سنتی منجر خواهد شد.

وی در این کتاب، فقدان نهادمندی سیاسی را عامل بی‌ثباتی سیاسی در جوامع معرض نوسازی می‌داند. ساموئل هانتینگتون کتاب خویش را در دهه 1970 میلادی به نگارش در آورده است. دهه ای که حاکمان اکثر کشورهای توسعه نیافته به دنبال وارد ساختن مظاهر تمدن جدید و گام نهادن در مسیر توسعه بوده‌اند. در نتیجه اقدامات نوسازانه حاکمان، بی‌ثباتی سیاسی خود را در قامت کودتاهای مکرر و انقلاب و شورش نشان داده است. وی با نقد سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در کمک‌های اقتصادی بی‌پایان به این حاکمان، شرط استواری و ثبات سیاسی کشورهای دستخوش دگرگونی را گستردن دامنه مشارکت سیاسی از طریق تشکیل و نهادمندسازی نهادهای مدنی نوین می‌داند.

در مجموع هانتینگتون توانسته است با شناخت ریشه‌های بی‌ثباتی سیاسی در جوامع دستخوش نوسازی نسخه‌ای را در برابر حاکمان این کشورها جهت سامانندی جوامع دستخوش دگرگونی بگشاید. وی با برشمردن کارکردهای مشارکت سیاسی دامن گسترده و نهادمند توانسته است به صورت توأمان هم به ثبات سیاسی بیاندیشد و هم حقوق ملت در ارتباط با قدرت را به رسمیت بشناسد.

به هرروی باز خوانی آثاری از این دست در باره عوامل بی‌ثباتی و ثبات سیاسی در تمهیدات نظری می‌تواند، از باب ارائه مستندات، برای ترسیم و تدوین چارچوب نظری عوامل پایداری و ناپایداری در حکومت‌های دینی مفید باشد، لذا با توجه به تمهیدات نظری، نگارنده در رساله حاضر با مطالعه و دقت در منابع موجود و فعالیت‌های تحقیقی و پژوهش‌های انجام گرفته، در فصل دوم به تبیین و بررسی عوامل و شاخص‌های پایداری و ناپایداری سیاسی در حکومت دینی از دیدگاه امام علی(ع) در سطوح امت، ارزش‌ها و نظام خواهد پرداخت، به این معنا که، با بیان و توضیح دو لایه امت و ارزش‌ها، چارچوب نظری رساله را با تمرکز بر روی لایه سوم «نظام و دولت» در قالب دو چرخه بی‌ثباتی و ثبات سیاسی ترسیم نمود و در فصل سوم، با در نظر گرفتن لایه سوم و با توجه به چارچوب نظری بدست آمده، به تطبیق عوامل و شاخص‌های پایداری و ناپایداری سیاسی در حکومت دینی از دیدگاه امام علی(ع) بر نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

بی تردید آنچه که مسلم است باید تمام نظام‌های سیاسی برای بررسی عوامل و شاخص‌های ناپایداری و بی‌ثباتی سیاسی به سراغ سیره و اندیشه‌های سیاسی امام علی(ع) رفته و با الهام از نظریه‌های الهی و سیاسی ایشان که مبتنی برحوزه‌های معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فرجام‌شناسی و... می‌باشد، به بررسی و تبیین دیدگاه‌های سیاسی خود درباره عوامل ثبات و بی‌ثباتی سیاسی در حکومت دینی بپردازند، ذکر این نکته برای ایجاد ارتباط میان فصول، ضرورت دارد که، ثبات و پایداری در اندیشه سیاسی امام علی(ع) برخلاف دیگر نظرات سیاسی بیان شده در تمهیدات نظری، که آن را در مؤلفه‌های خاصی می‌دیدند، برآیند سه عنصر امت، ارزش‌ها و نظام، می‌باشد، زیرا مطالعات کنونی ما نشان می‌دهد که، آن حضرت متعلق ثبات و بی‌ثباتی را چیزی فراتر از دولت دانسته و آن را در، دو لایه دیگر، یعنی امت و ارزش‌ها، هم دیده‌اند. این نشان می‌دهد که از منظر ایشان، ثبات و بی‌ثباتی به معنای عام تری از معنای امروزی آن می‌باشد.